

IL GÜN

ایل گون

No. 16 December 2000

سال چهارم - شماره ۱۶ آذر ۱۳۷۹

Garaşsyz türkmen neşriýesi

نشریه مستقل ترکمن



فهرست مطالب :

- ۳ شعر : به محبوب صحرا "نظری"
- ۴ دربارهٔ نامه ترکهای آذری خطاب به خاتمی
- ۵ حضور سازمانهای چپ در جنبش های ملی
- ۸ اراضی حاصلخیز ترکمنصحرا در یک نگاه
- ۱۱ پاسخ به مطالبات ملی و فرهنگی ترکمنها ...
- ۱۶ گزارش یک محقق و باستانشناس ...
- ۱۷ ترکیه و اتحادیه اروپا
- ۲۰ در مراسم عروسی دختران ترکمن ...



به محبوب من نگاه کن
ای یار محبوب من
گر دور باشی از من
با کلامت بگو
که یاد تو در دلم
نور افروزان
بود و هر روز
بوی گلش بر آید
چو آرزوی من
از دل تو بود
چو آرزوی من
از دل تو بود

ایوب الکافی
مجموعه

درباره نامه ترکهای آذری خطاب به رئیس جمهور

در مهر ماه امسال نامه ای از جانب شخصیت های علمی و اجتماعی، نمایندگان آذربایجان در مجلس شورای اسلامی، استادان دانشگاه، تشکلهای دانشجویی و نشریات محلی در آذربایجان خطاب به رئیس جمهور ایران، آقای محمد خاتمی، نوشته شد.

این نامه که در اصل يك دردنامه همه ترك زبانهای ایران است بعنوان يك سند تاریخی در جنبش اجتماعی ایران بجای خواهد ماند. این سند در حالی منتشر میشود که تحقیر و سرکوب فرهنگی ملیتهای غیرفارس در ایران با استفاده از تمام امکانات موجود دولتی و غیردولتی بشدت ادامه دارد و وجود و اهمیت مسئله ملی در ایران از جانب بسیاری از نیروهای سیاسی نیز انکار میشود. دردناکتر آنکه برخی نیروهای روشنفکر ملیتهای تحت ستم نیز آنرا در درجه دوم اهمیت قرار می دهند. آنها برخا پرداخت به برخی مسائل و مشکلات اجتماعی و اقتصادی جامعه را بطور عام دارای اهمیت می دانند. پرداخت و بررسی علمی و تخصصی مسائل و مشکلات جامعه دارای اهمیتی انکارناپذیر است ولی برای ما نیروهای ملی دردناک است که شاهد نابودی و به ابتذال کشانده شدن خانه و کاشانه فرهنگی خود باشیم. هویت ملی و فرهنگی ما با يك سیستم بسیار آگاهانه و برنامه ریزی شده مورد تهاجم قرار میگردد. آن ملت و مردمی که هویت ملی خود را از

دست می دهند، آواره و سرگردان اجتماع انسانی خواهند بود هرچند که در ابتدای امر بر اثر برخی عوامل و تشویقهای حاکمان و عوامل آنها عمق ضربه را احساس نکنند. در ادامه زندگی و برای درک و بیان احساسات و دردهای زندگی مرهم آن هویت های ملی و فرهنگی خود خواهد بود. این مسئله اصلا به معنی تقابل با فرهنگ ملیت دیگری نیست. روح و روان هر ملتی بر اساس پایه های فرهنگی، زبان، ادبیات، موسیقی و ... است. آنکه این روح و روان خود را از دست دهد مانند ماشینی در خدمت برنامه ریزان خواهد بود. ولی انسان ماشین نیست. هرچند ممکن است در مقاطعی مانند ماشین عمل کند ولی احساسات و روان آدمی بر اثر رویدادهای اجتماعی، اخلاقی و غیره به تحرك و واکنشی متقابل روی می آورد.

این چنین است که در جامعه کنونی ایران که استادان و متخصصان علوم اجتماعی، نشریات فرهنگی و دانشجویان ملتی در مقابل تهاجم و سرکوب روز افزون به هویت ملی و فرهنگی خود به تنگنا آمده و به این حداقل اقدام که در عین حال بسیار ارزشمند و شجاعانه است دست می یازند. آنان می گویند "بیش از هفتاد سال است که تفکری تمامیت خواه و انحصارطلب و آلوده به اغراض پان فارسیسم در تمامی عرصه های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران ... ترك های ایران را در زیر آماج تازیانه

های شوم نژادی به زانو در آورده است." این اندیشمندان آذربایجان مسئله "ترك های ایران" را بطور عموم مطرح کردند و بدین ترتیب بر ادعاهایی نیز که هدف آنها جدا نمودن ترکهای آذربایجان از سایر ترك زبانان ایران بود خط بطلان کشیدند. نویسندگان نامه بر ادامه سیاست ترك ستیزی در حاکمیت جمهوری اسلامی تأکید داشته و می گویند "امروز پس از گذشت هفتاد و پنج سال از کاشته شدن تخم شوم نژادپرستی و شوونیستی رژیم پهلوی ... مردم ما هنوز هم انواع تحقیرها و تخطئه های قومی را از رسانه های مختلف جمهوری اسلامی با تأسف و تأثر به نظاره می نشینند." آنها در ادامه نامه خطاب به رئیس جمهور که با شعار جامعه مدنی و برابری همگان و گفتگوی فرهنگ ها به میدان آمده بود می گویند "جناب آقای خاتمی؛ این تفکر غلط که اسلامیت و ایرانیت را در فارس بودن خلاصه می سازد باید از اذهان تمامی کسانی که خود را در حصار تنگ نظرانه تفکرات نژادی محصور ساخته اند زدوده شود."

نوشتن این نامه اقدامی مثبت و ارزنده در جهت احقاق حقوق ملی ترك زبانهای ایران است. در ایران ملیتهای دیگر، کردها، بلوچ ها، عربها نیز هستند که وضعیتی مشابه از نظر ستم ملی دارند. آنها

"حضور" سازمانهای چپ در جنبش های ملی

قبل از پرداختن به موضوع این نوشته لازم به توضیحی اختصاری می دانم.

تاکنون به جنبه های گوناگون رابطه و نقش سازمانهای چپ با جنبشهای ملی پرداخته ایم که عمدتاً از زاویه انتقادی بوده است. سازمانهای چپ در رابطه نزدیک با جنبشهای ملی بوده و نقش عمده ای در روند تحولات آنها داشته اند. در حال حاضر نیز در برخی از سازمانهای چپ نطفه های برخورد منطقی و جدی تلقی نمودن این معضل جامعه ایران دیده میشود.

اما در روابط گذشته تجربه های قابل توجه بسیاری نهفته است که بایستی در برنامه ریزیها و دیدگاههای آینده در گذر جنبش های ملی مد نظر قرار گیرند. این بررسی های انتقادی به هیچ وجه به معنی مخالفت و یا ضدیت با جنبش چپ در ایران نمی باشد.

در این نوشته نیز ماهیت و خصوصیات نیروهای چپ و نقش آنها در پراتیک مبارزه سیاسی اجتماعی بطور اختصار مورد بررسی نقادانه قرار میگیرد.

خاستگاه اجتماعی اکثریت بزرگی از رهبران و فعالین جنبش چپ ایران، چه در زمان رضاشاه و چه در زمان محمدرضاشاه، از میان اقشار بالا و متوسط جامعه ایران بوده است. آنها عمدتاً افرادی بودند که یا در اروپا و آمریکا تحصیل و زندگی می کردند و یا اینکه در دانشگاههای داخل

مشغول به تحصیل بودند. آنها افراد روشنفکر جامعه بودند که بنا به علل اجتماعی اقتصادی امکان ارتباط مستقیم و یا غیرمستقیم با جوامع و محافل روشنفکری اروپا و دیگر نقاط جهان را یافته بودند. آنها بدرستی به فقدان دمکراسی در رژیم شاهنشاهی پی برده و به اندیشه رایج مبارزه در آن سالها یعنی اندیشه مارکسیستی - لنینیسی و یا مانویستی و بخشا به شیوه چریکی روی آوردند. آنها خود را مارکسیست می نامیدند و عمیقاً نیز تحت اندیشه های آن ایدئولوژی و بهشت برین سوسیالیسم واقعا موجود بودند. اما در عین حال تحت تاثیر آن فرهنگ، شرایط زندگی و آموزش برتری جویانه ملتی بر علیه ملتهای دیگر در ایران بودند.

همزمان و پس از انقلاب بهمن ۵۷ سازمانهای چپ و چریکی بنا به سیاست لنینی "مبارزه سیاسی یعنی تلاش برای کسب قدرت دولتی" وارد میدان مبارزه شدند. آنها در مقایسه با نیروهای مذهبی طرفدار جمهوری اسلامی نیروی قابل توجهی نبودند. چپ ها عمدتاً در میان دانشجویان و سایر روشنفکران جامعه طرفدارانی یافته بودند.

روحانیت شیعه بنا به پایگاه اجتماعی گسترده خود و شرایط حاصل از انقلاب سریعا به سوی قدرت دولتی دست می یازید. میدان برای نیروهای چپ تنگ و تنگتر می شد. با اینکه خود را حزب و یا سازمان طبقه کارگر

نمی دانستند، توانستند حتی در محیط های کارگری نیز به موفقیت های قابل ملاحظه ای در راستای سیاستهای خود دست یابند.

هنوز حاکمیت جمهوری اسلامی تثبیت کامل نیافته بود و از جانی نیز جنبش های ملی در مناطقی مانند کردستان و یا ترکمن صحرا بسرعت در حال نضج و گسترش بودند. جمهوری اسلامی از همان آغاز رسیدن به قدرت تقابل و ضدیت خود را با آنان نشان داده بود. این مناطق می توانستند در راستای "قدرت نمایی در مقابل جمهوری اسلامی" (عین کلمات مسنول فداییان در ترکمن صحرا) بسیار مفید و موثر باشند. البته دستیابی به این امکان برای هر نیروی چپی میسر نبود.

چریکهای فدایی از طریق برخی دانشجویان فعال ترکمن به ترکمن صحرا راه یافته و در ادامه رهبری جنبش را بدست گرفتند. جنبش ملی در ترکمن صحرا جنبشی بسیار گسترده و اجتماعی، جنبش مردمی با خواستههای رادیکال و در مقابل حاکمیت جمهوری اسلامی بود. چریکهای فدایی و در ادامه اش سازمان فداییان نمیخواستند که در این موقعیت بدست آمده جریان دیگری نیز راه یابد. برخی از نیروهای سازمان پیکار و حزب توده علیرغم برخی فعالیتشان از جنبش عمومی ترکمن صحرا بقیه در صفحه بعد

ادامه از صفحه قبل

"حضور" سازمانهای ...

به کناری نهاده شده و نقشی نیافتند. بگذارید یک نمونه از این انحصارطلبی را بیان کنم. در جنگ دوم گنبد برخی نیروهای ترکمن طرفدار جریان "اشرف دهقانی" را بخاطر اینکه خودی نیستند نمیخواستند به سنگرها راه بدهند.

در کردستان اما وضعیت به صورت دیگری بود. هرچند چریکهای فدایی در آنجا نیز پایگاه توده ای یافتند ولی در مقابل آنها احزاب و سازمانهای قوی مانند حزب دمکرات کردستان و یا کومه قرار داشتند. بهر حال فداییان در ترکمن صحرا و کردستان به یک نیروی مادی اجتماعی فرا روییده و وارد معادلات سیاسی اجتماعی در ایران گردیدند. در حالی که دیگر سازمانهای چپ و حتی خود تشکیلات سازمان فداییان در دیگر مناطق ایران نتوانستند به یک نیروی اجتماعی مبدل شوند و بیشتر در محیط های روشنفکری و محافل محدود حضور داشتند.

جنبش های ملی در کردستان، ترکمن صحرا و دیگر مناطق ملی ایران از درجه اهمیت بالایی برخوردار است. این جنبش ها خواستها و نیازهای سرکوب شده ملتی را بیان می کنند و در آن سالها به علت گستردگی و عمق پایه های اجتماعی و مردمی اش و همچنین به علت تقابل و تلاش ابتدا ناموفق جمهوری اسلامی برای سرکوب به سرعت در سطح جنبش عمومی ایران مطرح گردیدند. از آنجاییکه سازمان

فداییان در رهبری جنبش ترکمن صحرا و نقش فعالی در کردستان داشت در سطح جنبش اجتماعی ایران مطرح گردید.

این گروه های چپ مانند فداییان یا حزب توده و یا جریانات دیگر چپ اعتقاد و آگاهی نسبت به مسئله ملی نداشتند. در آن سالها، به اعتقاد خود، آنها یک سازمان و یا یک حزب پرولتری بودند که سیاست مارکسیستی - لنینیستی را پیش می بردند. بنابر این طرح مسائل زبانی و فرهنگی و ... جهت توجیه و مشروعیت دادن به مبارزه و حضور خود در آن منطقه در مقابل حاکمیت بود. آنها به پشتیبانی و حمایت آن نیروهای گسترده مناطق ملی احتیاج مبرم داشتند. البته در این میان نه فقط سازمانهای چپ، بلکه سازمان مجاهدین خلق نیز که یک سازمان مذهبی بسیار سائترالیست است برای جلب حمایت کردها و سازمانهای ملی آن در سالهای ۱۳۶۲ پشتیبانی از خودمختاری کردستان را در برنامه سازمان خود و شورای ملی مقاومت مورد موافقت و تصویب قرار داد. این نیز دقیقاً برای جلب نیرو و ایجاد پایگاه اجتماعی مردمی برای خود بود که در آن سالها مبارزه مسلحانه بر علیه جمهوری اسلامی را آغاز کرده بود. سازمانهای سراسری نامبرده در بلوچستان نیز فعالیت های مشابه ای داشتند اما به علت ساختار اجتماعی ویژه در بلوچستان که عمدتاً ساختار طایفه ای است نتوانستند مانند کردستان و یا ترکمن صحرا نفوذ گسترده و مردمی بیابند.

این سازمانها بعد از تغییر سیاست خود و از آنجاییکه اعتقادی نسبت به مسئله ملی نداشتند و از آنجاییکه جمهوری اسلامی نیز

تا حدود زیادی حاکمیت خود را تثبیت نموده بود و دیگر "قدرت نمایی" در مقابل آن لزوم و معنایی نداشت براحتمی حمایت از مسائل ملی را نیز به کناری نهادند. این همان سیاستی است که حزب توده در سالهای ۱۳۲۲ در ترکمن صحرا به عمل در آورده بود.

حزب توده در سالهای ۱۳۲۰ در ترکمن صحرا فعالیت گسترده ای داشت و بسیاری مسائل ملی و فرهنگی جنبش ملی در این سالها مطرح میگردد. در این سالها نشریه "ندای کرگان" به سردبیری احمد قاسمی که اولین شماره آن در فروردین ۱۳۲۵ انتشار یافت، بزبان فارسی - ترکمنی منتشر می شد. تناثر و نمایشنامه های ترکمنی بسیاری اجرا می گردید. شعری که شاعر فقید شاملو بنام "از زخم قلب آمان جان" سروده در یادبود یکی از شهیدان جنبش ترکمن ها در این سالها بود. متأسفانه از این سالهای جنبش ملی ترکمن که منجر به مهاجرت و دستگیری بسیاری از روشنفکران ترکمن شد، هیچگونه نوشته و جمعبندی از جانب حزب توده صورت نگرفته و به فراموشی سپرده شده است. این در حالی است که بسیاری از اسناد و مدارک و نوشتجات مربوط به سالهای اول حزب توده موجود میباشد. این به غیر از بی اهمیت بودن این جنبش برای حزب و استفاده از توان آن برای مقاصد حزبی نبوده است.

اعتبار و موقعیت اجتماعی سازمان فداییان در سالهای کوتاه بعد از انقلاب نیز حاصل حضور و رهبری آنها در کردستان

بقیه در صفحه بعد

ادامه از صفحه قبل

"حضور" سازمانهای ...

و ترکمن صحرا بود نه آنطور که برخی ها میخوانند بیان کنند که مطرح شدن جنبش ملی ترکمن ها در سطح جنبش عمومی ایران در نتیجه حضور فداییان در ترکمن صحرا بود. این تفکر میتواند فقط حاصل تنزل موقعیت و پایگاه اجتماعی جنبش ملی در ترکمن صحرا و در دیگر نقاط ملی در دیدگاه هایشان و شیفتگی به سازمان مورد علاقه شان باشد.

در تفکرات و اندیشه های سازمانهای چپ در ایران در اثر تغییر و تحولات در جنبش چپ جهانی و فرو ریختن اردوگاه سوسیالیسم و تحکیم هرچه بیشتر حاکمیت جمهوری اسلامی تغییرات عمده ای صورت پذیرفته است. آنها برخاسته از تئوری "انترناسیونالیسم" و "پرولتاریا میهن ندارد" به مقدس شدن خاک و خاک پرستی ایران و به تعریف و تصحید از نژاد موهوم آریا میرسند.

نگاهی به نوشته آقای بابک امیرخسروی در نشریه راه آزادی شماره ۷۵ اوج ناآگاهی این رفیق! را از وضعیت اجتماعی کل

جامعه ایران، وضعیت و مطالبات ملیتهای تحت سرکوب ایران را آشکار میسازد. این نوشته همچنین نشان از ناآگاهی ایشان از مسئله ملی، چگونگی و زمان پیدایش آن و چگونگی و تاریخ شکل گیری زبان فارسی امروزی در ایران دارد. صحبت از قاجاریه، زندیه و ... برای اثبات ادعاهای خود در رابطه با مسئله ملی نشان دهنده این امر

است.

همانطور که گفتم در شکل گیری هویت و ارزشهایی که در يك انسان نهفته است عوامل فرهنگی و اجتماعی بسیاری از جمله آموزش، رادیو تلویزیون، مطبوعات، آداب و سنن دخیل هستند. هویت در انسانها همراه با یادگیری و آموزش و تاثیر پذیری از فرهنگ عمومی جامعه محل زندگی آغاز شده و شکل می گیرد. این هویت شکل گرفته اکثرا در مراحل بعدی بعنوان پایه و اساس قضاوتها و دیدگاهها واقع میگردد. به این خاطر است که رژیم های شونیست و توتالیتر به سیستم آموزشی بهای ویژه ای می دهند. در مسیر زندگی اجتماعی ممکن است در هویت و دیدگاههای انسانها بر اثر عوامل مختلف تغییرات پدید آید اما آن زیر بنا شکل گرفته به سختی تغییر می پذیرد. میتوان در هویت و اندیشه های چپ ترین و کمونیست ترین افراد نیز تاثیر مذهب بخصوص نوع شیعی آن و آموزشهای یکسویه را در رابطه با جامعه متنوع ایران مشاهده کرد. در نشریه "نبرد خلق" ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

شماره ۱۸۱ در مقاله "ادبیات ایران در هزاره دوم" از کریلا، عاشورا و امام حسین با شیفتگی خاصی بحث میشود و یا اینکه در "نشریه راه آزادی" شماره ۷۴ در مقاله "هویت ایرانی..." "مسلمان اما شیعه ... و شعر و ادب فارسی از جذاب ترین خلاقیت های فکری بشری!!" سنگ پایه "هویت ایرانی" معرفی میگردد.

ایران کشوری با تنوع و کثرت در فرهنگ، ادبیات، زبان و خصوصیات اجتماعی و مذهبی ملل مختلف ساکن آن است.

هیچکدام از این زبانها و فرهنگها و مذاهب نمیتوانند به تنهایی معرف هویت ایران باشند. رژیم شاهنشاهی و جمهوری اسلامی کوشیدند و می کوشند که زبان فارسی و مذهب شیعه را بعنوان هویت ایرانی در داخل و بخصوص در خارج از کشور معرفی کنند و بخشا نیز موفق بودند. اما این تلاشهای شوونیستی و تبعیض آمیز نبایستی که مورد تأیید و قبول روشنفکران آگاه جامعه ایران باشد.

ایران متعلق به همه ایرانیان با حقوق برابر است. صحبت از حق و حقوق پایمال شده ملت های دیگر ایران به معنی تجزیه طلبی نیست. برای بسیاری برابری حقوق ملیتهای ساکن ایران بمنزله تابویی شده است. آن تابویی که رژیم شاهنشاهی و عوامل آن بنیانگذاری نمودند. این تابو اکنون گریبانگیر بسیاری کسانی که بر علیه رژیم شاه نیز مبارزه نموده اند شده است.

بایستی این پندار غلط را که هر حرکت حق طلبانه از جانب ملیتهای ایران به معنی تجزیه و جدایی از ایران است به کناری نهاد. این امر بر بستر يك مبارزه مشترك همه نیروهای آگاه و بر اساس دموکراسی و عدالت اجتماعی میسر خواهد بود. مسلما عمده نیروهای چپ ایران که هنوز به آرمانهای انساندوستانه و عدالتجویانه خود اعتقاد دارند در جانب جنبش های عدالتخواهانه ملیت های ایران که بخش تفکیک ناپذیری از مبارزه برای دموکراسی و عدالت اجتماعی در ایران است، قرار خواهند داشت.

متراد

اراضی حاصلخیز ترکمنصحرا در یک نگاه

در شمال ایران و جنوب شرقی دریای خزر، ترکمنصحرا سرزمینی به وسعت ۲۸۰۰۰ کیلو متر مربع و بالغ بر دو میلیون و دویست هزار هکتار و با جمعیتی قریب به سه میلیون نفر با چندین شهرستان و بخش و بیش از هزار روستا قرار گرفته است. به گواه تاریخ، صحرای حاصلخیز ترکمن مورد توجه قدرتهای خارجی چون امپراتوری روسیه تزاری و ستمگران و زمین خواران داخلی چون " رضا شاه " و " محمد رضا شاه " بوده است و مردمان آن منطقه با پشتگرمی همدیگر با غاصبان خارجی و داخلی مبارزه و ستیزیده اند و از زاد و بوم خود دفاع کرده اند.

وجود ۶۵۰ هزار هکتار زمین های حاصلخیز در ترکمنصحرا که در آن محصولات با ارزشی همچون پنبه، گندم و ... کشت می شود و همچنین وجود ۱۲۲ واحد تولیدی و با سرمایه گذاری ۲۶ میلیارد و ۴۵۱ میلیون ریال در زمینه های مختلف غذایی، شیمیایی یا فلزی و نساجی و ... بیانگر آنست که این منطقه در افزایش توان اقتصادی کشور از اهمیت به سزایی برخوردار است. با وجود محرومیت و دغدغه سرمایه گذاری از سوی دولت مرکزی، در سال زراعی جاری ۲۲ هزار و ۴۲۵ هکتار از اراضی ترکمنصحرا به کشت سویا و آفتابگردان اختصاص یافت. در این سال سطح سبز سویا به ۲۴/۲ هزار هکتار می رسد که از این میزان ۲۰/۶ هزار هکتار، کشت آبی است. دانه روغنی آفتابگردان نیز امسال در سطح هشت هزار و ۲۲۵ هکتار کشت شد که تنها ۲۸۵ هکتار آن آبی است. کشت محصول جدید به نام " گلرنگ " در ترکمنصحرا برای نخستین بار در سطح ۱۵ هکتار به صورت آزمایشی انجام گرفته است. ترکمنصحرا امسال همچنین با تولید ۱۲۰ تا ۱۴۰ هزار تن پنبه از ۸۰ هزار هکتار اراضی و پنج هزار و پانصد تن دانه روغنی گلزا از سطح چهار هزار و ششصد هکتار سطح سبز، مقام نخست تولید پنبه و گلزا را در کشور بدست آورد. همچنین امسال ۷۵۰۰ هکتار اراضی حاصلخیز ترکمنصحرا به کشت زیتون اختصاص یافت. باید گفته شود که ۴۰ درصد دانه های روغنی کشور در ترکمنصحرا بدست می آید. در مجموع امسال از ۶۵۰ هزار هکتار زمین زراعتی ترکمنصحرا، در حدود ۱۴۰ هزار هکتار آن زیر کشت قرار گرفته است در صورتی که این منطقه ظرفیت بیشتر کشت بویژه محصول پنبه را دارد.

ترکمنصحرا از قطب های مهم کشاورزی، بویژه محصول پنبه (طلای سفید) است که اهمیت و نقش تعیین کننده آن در تامین محصولات اساسی کشاورزی کشورمان نه تنها بز کسی پوشیده نیست، بلکه جایگاه ویژه آن در مجموعه اقتصاد کشور بر همگان مبرهن و آشکار است. در آستانه برداشت پنبه توسط حدود ۲۰ تا ۲۵ هزار کشاورز منطقه ترکمنصحرا و به دنبال کاهش سطح کشت پنبه در سال ۷۵ از ۱۲۰ هزار هکتار به ۸۷ هزار هکتار و در سال ۷۶ از ۸۷ هزار هکتار به حدود ۷۷ هزار هکتار و امسال از ۶۱ هزار هکتار به ۸۰ هزار هکتار بر آن شدیم که علل کاهش کشت پنبه در سالهای اخیر در ترکمنصحرا را مورد بررسی قرار دهیم.

کشت و صادرات پنبه سابقه طولانی در کشور داشته و از قدمت دیرینه ای برخوردار است و هنوز هم در حال حاضر یکی از محصولات استراتژیک کشور می باشد. پنبه چه در امور زراعی و چه در مراحل تبدیلی آن در واحدهای پنبه پاک کنی، روغن

کشی، ریسندگی و بافندگی و ... لزوم کار فراوان با تخصص های مختلف را نمود و در واقع در راه اشتغال زایی و در آمد طبقات زیادی از مردم کشور از اهمیت ویژه ای برخوردار است. چرا که فقط در صورت کاشت حدود ۷۷ هزار هکتار و ش (مواد اولیه که توسط کشاورز از مزرعه به دست می آید و سپس به پنبه تبدیل می شود) در مزارع ترکمنصحرا چیزی حدود ۱۵۰ هزار نفر فقط در روستا ها بطور مستقیم مشغول بکار می شوند و در این زنجیره ابزارها و عوامل متعددی چون ابزار و ادوات کشاورزی، امور حمل و نقل و ...، به صورت مستقیم و غیر مستقیم فعالیت دارند.

به اعتقاد بسیاری از کارشناسان در صورت حمایت از کاشت زراعت پنبه کشور، قادر به تولید بیش از ۴۰۰ هزار تن پنبه محلول می باشد، اما به دلیل برخی از عوامل اقتصادی و بعضا کم توجهی در سال های اخیر این محصول استراتژیک با کاهش شدیدی مواجه شده، بطوری که از میانگین تولید ۱۷۵ هزار تن پنبه محلول تولیدی سالهای ۱۳۵۶-۱۳۴۷ به حدود ۱۱۵ هزار تن پنبه محلول رسید.

در طی سالهای ۵۶-۴۷ پنبه محلول تولیدی کشور چیزی حدود ۹۰ تا ۹۱ هزار تن به خارج از کشور صادر می شد و در سال ۵۲ مقام اول صادرات اقلام غیر نفتی در کشور به پنبه اختصاص داشت. شرکت ها و تجار مختلف صادر کننده بطور ویژه بر روی صادرات پنبه کار می کردند که طی سالهای اخیر خبری از آنها نیست.

در صورت مرتفع شدن مشکلات فعلی و به وجود آمدن شرایط طبیعی در عرصه های اقتصادی و اجتماعی کشور پنبه در مقایسه با سایر محصولات مقرون به صرفه تر خواهد بود چرا که با توجه با نیاز کشور به پنبه و محصولات پنبه ای توجه مضاعف به تولید بیشتر می طلبد. بطور کلی کاهش کشت پنبه در سالهای اخیر در ترکمنصحرا علل فراوانی دارد که ذیلا به اختصار به بعضی از آنها اشاراتی خواهیم داشت.

کشاورزان :

عده ای از کشاورزان در ترکمنصحرا اظهار کردند که پایین بودن قیمت و ش نسبت به محصولات رقیب، مشکلات کاشت پنبه و هزینه های سنگین آن نسبت به سایر محصولات، کمبود نیروی کار، دستمزد بالای کارگران، تک محصولی بودن پنبه نسبت به محصولاتی چون گندم، جو، دانه های روغنی و ...، به موقع پرداخت نکردن بهای پنبه کشاورزان توسط کارخانجات، بی ثباتی قیمت ها (که سود جویی افراد واسطه و دلال را به همراه دارد)، در دسترس نبودن ابزار و ادوات کشاورزی برای تسریع در کارها، افزایش هزینه ها و رقابت پنبه با سایر محصولات سود آور، طولانی بودن زمان کاشت تا برداشت پنبه و دهها دلیل دیگر باعث افت و کاهش شدید کشت پنبه شده است.

دست اندرکاران پنبه :

تعدادی از دست اندرکاران پنبه شاغل در کارخانجات منطقه ترکمنصحرا و مرتبط با این محصول می گویند: کمبود میزان نقدینگی در طی فصل خرید و فروش پنبه موجب می شود که کارخانجات نتوانند به موقع به تعهدات خویش مبنی بر پرداخت بهای پنبه کشاورزان عمل کنند که این عمل باعث نوعی بی اعتمادی بین طرفین می شود تا جایی که به علت نگرانی و دلسردی و با گذشت زمان دیوار بی اعتمادی ها بلندتر و وسیع تر می شود.

کارشناسان پنبه :

برخی از کارشناسان پنبه در رابطه با کاهش کشت پنبه می گویند: کاهش کشت پنبه علل فراوانی دارد، بر خلاف نظر عده ای که فقط از يك بعد به این عوامل نگاه می کنند باید از ابعاد مختلف بدان نگریست از جمله مواردی که در کاهش و افت پنبه تاثیر مهمی دارد، قطعه قطعه شدن زمین های کشاورزی است چرا که این کار موجب پایین آمدن راندمان و افت محصول در واحد سطح می گردد. در صورت یکپارچه سازی آنها به راحتی می توان مراحل مختلف پنبه را با استفاده از ادوات و ابزار آلات مجهز و پیشرفته در مزرعه پیاده کرد، همچنین افزایش هزینه های کاشت داشت و برداشت و افزایش قیمت سموم و کودهای شیمیایی، وجود محصولاتی که در سال دو بار امکان استفاده از زمین را مهیا می کنند نیز از مواردی است که در افت محصول تاثیر به سزایی دارد.

عده ای دیگر از کارشناسان کاهش و تنزل محصول را ناشی از کیفیت نامطلوب پنبه های تحویلی متوسط کشاورزان به کارخانجات می دانند. آنها معتقدند که متاسفانه تعدادی از کشاورزان برای اینکه وزن پنبه تحویلی را افزایش دهند، پنبه را با برگ سبز و دیگر آشغال های درخت پنبه جمع آوری می کنند که اگر چه این کار به لحاظ وزنی به نفع آنهاست اما ضربه بزرگی به دستگاه ها و ماشین آلات کارخانجات وارد می کنند که به این ساده گی ها جبران پذیر نیست !

نتیجه گیری و پیشنهاد:

با توجه به مجموعه علل و عواملی که ذکر آن رفت می توان نتیجه گرفت که، پنبه محصولی بسیار استراتژیک و حایز اهمیت و در صورت صادرات جایگاهی ویژه در جهان خواهد داشت اما برای اینکه بتوانیم استعدادهای بالقوه و نهفته ایران به ویژه ترکمنصحرا را به فعل در آورده و آن را بهتر به عرصه ظهور رساند لازم است که پیشنهادات ذیل مورد توجه قرار گیرد :

افزایش قیمت پنبه، کاهش هزینه های کشت و برداشت، مهیا کردن ادوات و ابزار آلات کشاورزی، تهیه سموم و دفع آفات و کودهای شیمیایی، مکانیزه کردن مزارع، قرار دادن تسهیلات و ادوات به موقع و مناسب در دسترس کشاورزان، کوتاه کردن دست بعضا دلالان سود جو، قرار دادن پول و نقدینگی به موقع در اختیار کشاورزان قبل از ورود واسطه ها و خراب کردن بازار، ماشینی کردن برداشت پنبه، تغییر و یا کیفیت مطلوب جمع کردن پنبه توسط کشاورز، امتناع کارخانجات از تحویل پنبه نامرغوب، تثبیت قیمت ها و دهها موارد دیگر که هر کدام به نوبه خود می توانند در راه افزایش تولید و افزایش کاشت پنبه ترکمنصحرا کمک شایان توجهی نمایند.

موسی**منبع :**

- ۱- اطلاعات ویژه خارج از کشور. ۲۴ شهریور سال ۱۳۷۹. بخش اخبار شهرستانها
- ۲- روزنامه حیات نو. دوشنبه ۷ شهریور ۱۳۷۹. ص ۵۰. بررسی علل کاهش کشت پنبه در کرگان و دشت.

پاسخ به مطالبات ملی و فرهنگی ترکمنها از کدام راه و با کدام وسیله؟

(قسمت آخر)

جمع بندی و نتیجه گیری

حل مسئله اقلیتهای ملی و

مذهبی در گرو دموکراسی

با نگاهی گذرا بر چگونگی مکانیسمی که روابط و مناسبات آدمها را در کشورهای مختلف به قاعده در می آورد در می یابیم که اصول و بدیهیات آن از قوانین و قواعد متنوع و پیچیده ای پیروی می نماید. خود این قوانین بعضا یا به تبع زمان و تاثیر عمومی بیرونی دگرگونی می یابد و یا بعضا بنا به تحولات درونی آن محیط و بویژه بدنبال کشمکشها و عدالت طلبی های آدمهای تحت ستم تغییر می یابد.

تکامل تدریجی تاریخ و روند تکامل اجتماعی و سیر تحولات آن در مسیری خاص امروزه بسیاری از فلاسفه و جامعه شناسان را که تئوریهای آنان در مدارس و دانشگاهها تدریس میگردید به زیر سوال در آورده است. تکاملی که نه مکتب مارکسیسم با طرح ماتریالیسم تاریخی و تضاد طبقاتی و یا ماتریالیسم دیالکتیک بر سمت گیری آن دانا گردید و نه ایده نالیست ها و مذهبیبون با اتکا بر متدولوژی یکسان و قدیمی خود که سیر تاریخ را در مسیری خطی تصور می نمایند.

با گذر زمان و ظهور وقایعی غیرقابل تصور و بویژه گسترش علم و تکنیک و تطور جامعه انسانی در مسیر آزادیهای دموکراتیک این بار

این حامیان اسکولاستیک فکری بودند که کام به کام عقب رفته و خود را با واقعیات زمان تطبیق نموده اند. برای مثال کافی است که نگاهی بر باورهای ارزشی و اخلاقی کنونی در برخی از جوامع غربی بیفکنیم. حال آنچه که امروز آنرا از گذشته نه چندان دور جدا می نماید و آنهم در طول چند دهه تو کویی قرنهای طولانی تاریخ هرگز نتوانسته بود تا بدین حد و عمیق دگرگون بنماید. امروزه ارزش انسان به آنچنان درجه ای ارتقا یافته که در آن نه تنها حق و حقوق اقلیتهای ملی و مذهبی در سایه دموکراسی و تبلور آزادیهای سیاسی و اجتماعی در مرکز توجه قرار میگیرد بلکه برای گروههای دیگر انسانی و از جمله هموسکسونل ها و لختی ها و ... که در بسیاری از نقاط دنیا با نفرت و انزجار دفع و نابود می گردند نیز به اندازه کافی آزادی و امنیت داده شده است و آنان نیز چون دیگران حق حیات یافته و از امنیت برخوردار میباشند. مسلما تأمین حقوق انسانی از آنچه بایستی مورد نظر باشد فاصله هایی دارد و شاید هم مدینه فاضله افلاطونی برای بشر دویا و بر روی کره خاکی ما هرگز متحقق نگردد ولی نگرش دموکراتیک و مراجعه به اشتراک نظر عمومی این امکان را فراهم آورده است تا اولاً تضادهای اجتماعی موجود اجتماعی به دلیل امکان دیالوگ و بحثهای سازنده اجتماعی تا حد زیادی تخفیف یابد. ثانیاً بدلیل توجه نمودن بر زبان و ارزشهای ملی

و فرهنگی اقلیتهای ملی خطر محو یا آسیمیله گردیدن آنها تا حد زیادی تخفیف یابد.

آزادی انسانها در گرو سیستم اجتماعی بهتر

یکی از نظامهایی که در قدیم و در دوران فنودالی و ماقبل آن توانسته است مناسبات اقوام مختلف را تنظیم نماید سیستم امپراطوری بود و بدین سان عمل میکرد که در آن سیستم هر کدام از قبایل خان یا شاه و یا حاکم ملی خود را داشته اند و اما در عین حال از این یا آن حکومت مقتدر مرکزی نیز پیروی میکردند. در این سیستم روابط اقوام و گروههای انسانی به دلیل سادگی تولید اجتماعی تحت مکانیسمی ساده تنظیم میگردد و یا اتحاد یا تخاصم این اقوام بستگی به موقعیتها و شرائط مختلف سیاسی و اجتماعی آن دوران داشته است.

در این سیستم حکومتی اکثراً یکی از اقوام با تکیه بر رهبری مدبر و مقتدر و یا گاه تحت لوای مذهبی نوین و عامه پسند سیادت و سروری خود را بر دیگر اقوام تحمیل مینمود و مناسبات و اصولی نوین بوجود میامد که در آن اقوام متهور و مطیع بقیه در صفحه بعد

ادامه از صفحه قبل

پاسخ به مطالبات ...

با تقبل دفاع مشترك از موجودیت آن سیستم و تعهد و پرداخت خراج و مالیات به حکومت مرکزی (یا قوم برتر) در استمرار و قوت سیستم حاکمه شرکت می نموده اند. در این سیستم حکومتی هر کدام از قومها در مسیری معین تکامل یافته و قاعدتا مرسوم نبوده است تا قوم حاکم در جهت آسیمیله کردن قوم مطیع عمل بنماید.

یکی از بزرگترین سیستم حکومتی که در طول تاریخ حیات بشری به شکل بالا معماری گردید مربوط به امپراتوری روم میباشد. آخرین سزار مقتدر روم که تا آنموقع امپراتوری وی بین سه قاره آسیا - اروپا و افریقا گسترش یافته بود در مقابل همایش تاریخی که با شرکت همه فرماندهان رومی از قومهای متحد و مطیع تشکیل میگردد رو به آنان چنین خطاب می نماید:

"شمايي که در این همایش تاریخی با اشتیاق و شور تمام شرکت دارید هر کدام از گوشه ای از نقاط دنیا آمده اید و امروز فاصله شما از یکدیگر از آنسوی کره زمین هم دورتر است. اگر به روی همدیگر بنگرید میبینید که هیچکدام از شما در زبان و رنگ و شکل و آداب و سنتها شبیه همدیگر نیست و از سیاه و سفید و زرد تشکیل شده اید و اما این جمع متنوع و کثیر شماست که یکدل و یکجان امپراتوری روم را تشکیل میدهد. این است رمز قدرت و عظمت امپراتوری روم."

در طول تمامی دوران بشری و تا میانه قرن بیستم که سرمایه داری یا سیستم کاپیتالیستی تولید در قاره اروپا در دو جهت متضاد تکامل یافت و به صورت دو بلوک متخاصم در آمد (یعنی بخشی بدلیل شکوفایی لیبرالیسم و اندیویدالیسم در جهت دموکراسی و بخش دیگر به دلیل استیلای شوونیسم ملی حاکم در آنجا و در جهت فاشیسم و دیکتاتوری) نقش و موقعیت يك انسان به عنوان موجودی تام الحقوق و تاریخ ساز هرگز در مرکز توجه قرار نگرفته است و بر عکس این حامیان قدرت مستبد بودند که برای جامعه بشری تحت لوای "قانون" حکم و دستور صادر نموده اند. نقش و موقعیت انسانها و از هر نژاد و قوم تحت این سیستم اجتماعی چیزی بیشتر از "رعیت" و "عامه" نبوده است. حامیان این سیستم جامعه بشری را بسان يك آدم تصویر نموده و در آن سیستم حاکمان و مستبدان در جای مغز آدمی قرار گرفته و بدنه آنها اقرار اجتماعی مرفه تشکیل داده و سرانجام پایه های این نظام را نیز کارگران و دهقانان و یا بنا به تعبیر آنان رعیت ها تشکیل می دادند.

حجم فشارها و ستمهای وحشتناکی که از این سو بر توده ها وارد می آمد از لابلای کتب و گزارشها و نقل و قولهای عدیده ای که در طول تاریخ بر انسان امروزی رسیده میتوان دریافت.

ویکتور هوگو یکی از شاخص ترین نویسندگان رومانتيك قرن هجدهم فرانسه است که به صورت زیبایی این "قانون"

بقیه در صفحه بعد

از بارزترین شکل استیلای يك قوم در شکل عام همگرایی آنان در پذیرش دینی مشترك بوده است که بنا به شواهد تاریخی در دو شکل داوطلبانه و یا به همراه زور تحقق می یافته است. حیات و زندگی سیاسی و اجتماعی يك قوم تا مادامی استمرار می یافت تا آن قوم در مقابل قوم مهاجم شورش و مقاومت ننماید و به عنوان متحد یا مطیع باقی بماند. اما اگر روزی این قوم سر به عصیان بزند و در مقابل قوم حاکم قرار بگیرد و به دنبال مقاومت و جنگ متقابل شکست بخورد و نیروی دفاعی آن در هم بشکند آنموقع تمامی آن قوم یا محو و نابود می گردیدند ی یا هم بعد از بردگی و اسارت تدریجا از ارزشهای قومی و فرهنگی محروم گردیده و در داخل قوم فاتح حل میگرددند.

طبیعتا به دلیل تسلط و تحکیم هر کدام از قومها تأثیرات و تحولات بسیاری در فرهنگ و باورهای ارزشی قوم تحت ستم حاصل می گردیده است و چه بسا از آمیزش و اختلاط فرهنگی این ملتها تحولاتی در زبان و آداب و روشهای زندگی آنان و به طور متقابل صورت می پذیرفت.

مثال بارز در این زمینه و در ایران اختلاط و آمیزش زبانها و فرهنگ و تمدن فارسی - ترکی و عربی میباشد. امتزاجی که در دنبال خود صدها سال سیادت و حکومت این سه قوم را در ایران و در برهه های زمانی مختلف همراه داشته است.

جایگاه انسان در سیستمهای اریستوکراسی قدیم

ادامه از صفحه قبل

پاسخ به مطالبات ...

حکومتی را در کتاب نفیس بینوایان و در نقش ژان وان ژان به نقد و تصویر کشیده است. کمی دیرتر و در آستانه قرن بیستم نیز فلاکت انسان را که در آن همه چیز و همه دار و ندار انسانها بخاطر بوروکراسی و منفعت و زور قربانی میگردد توسط نویسندگان توانایی چون جک لندن و جان اشتین بک در آمریکا و کمی بعد گوگول و شجدرین و گورکی و... در روسیه و دیگر مناطق مختلف دنیا با تمام تراژدیهای آن به قلم کشیده میشود.

با هرچه بیشتر بیدار شدن وجدانهای پیشروان اجتماعی و بویژه در قرون اخیر تحولات چشمگیری در نوع اندیشه و برداشت انسان از خود آغاز میگردد و مکاتب انسانگرایی چون سوسیالیسم و لیبرالیسم و فمینیسم و ... یکی پس از دیگری زاده میشوند و از جانب توده های تحت ستم و روشنفکران عدالت خواه جانبداری می کردند. تأثیر مستقیم این طرز نگرش نوین مستقیماً بنیادهای کهنه اندیشه های کلیسایی را در هم میریزد و به دنبال اعتراضات گسترده کیشها و کاردینالهای مترقی مکاتبی چون کالونیسم و لوتریسم و ... متولد شده و تا جایکه مکتب یا مذهب نوین اعتراض گرایی یا پروتستانیسم به اعتقاد عمومی تبدیل گردیده و نقش تاریخسازی را درباره نگرش انسان از خود ایفا مینماید. طوریکه از پس آن حکومت های ظالم و سرکوبگر و وابسته به کلیسای روم یکی پس از دیگری در بسیاری

از کشورهای اروپایی فرو میریزد و جای آنرا سیستم های اجتماعی که از جانب خود انسانها و در جهت بهروزی انسانها سازمان داده میشوند میگیرند. تحت تأثیر ایده های عدالت جویانه نقشه جغرافیایی بسیاری از کشورها نیز دگرگون میگردد و ملتهایی با پرچم و سرزمین مستقل خود متولد میگردند. قومهایی که هرگز به شکل مستقلانه برای خود کشور و یا پرچم ملی نداشته اند در قرنهای ۱۸ تا ۲۰ یکی پس از دیگری پا به عرض حیات نهاده و با حضور مستقلانه خود هویت و مفهوم نوینی بر کره خاکی ما میبخشند.

در این کشورها و در سیستم نوین اجتماعی اولا کلیسا و مذهب از مدار قدرت و سیاست به کنار میروند و ثانياً نقش و موقعیت انسان در مرکز توجه قرار میگیرد طوری که بسیاری از فرقه ها و گروه بندیهای اجتماعی و مذهبی و قومی روز به روز بر آزادیهای بیشتری دسترسی می یابند و در جهت تکامل خواسته های بر حق خود امکان و فرصت پیدا مینمایند.

جایگاه عینی اقلیت های ملی و

مذهبی در جهان امروز

حل مسئله ملی یا تأمین حقوق اقلیتهای ملی امروزه از قانونمندی های خاصی پیروی نمی کند و شکل برخورد با آن در نقاط مختلف و در شرایط زمانی مختلف کاملاً متفاوت میباشد.

بطور مثال در برخی از کشورها همانند چد اسلواکی اخیراً این معضل به طور مسالمت

آمیز و با مصلحت متقابل چکها و اسلواکها و بدون جنگ و کشتار متقابل حل و فصل گردیده و در برخی نقاط نیز همانند ایران، روسیه، ایرلند، ترکیه، چین، اسپانیا، انگلستان ... حل مسئله ملی علیرغم سالهای متمادی جنگ و خونریزی خوفناک هنوز هم که هنوز است به فرجام نرسیده است.

در برخی از کشورها نیز همانند بوسنی و کوسوو، بوروندی، تیمور شرقی عکس العمل و دخالت مستقیم عامل خارجی و بویژه دخالت قدرتهای بزرگ باعث گردیده است تا این مسئله عنقریب در راستای معین و امیدوار کننده ای سمت گیری نماید.

بسیاری از کشورها نیز که سالیان متمادی تحت قیمومیت و یا استیلای کشورهای استعمارگر بوده اند همانند مراکش، الجزایر، بحرین، غنا، کنگو، آنگولا، موزامبیک و ... در قاره های آفریقا، آمریکا، آسیا ... به دنبال خروج قدرتهای اشغالگر که عمدتاً نیز تحت انقلابهای خونین و همراه با فشار بین المللی تحقق پذیرفت به سوی استقلال و آزادی رفتند. بررسی هرکدام از موردهای مذکور حقا برای آنانی که با درست ترین متد در فکر پرداختن به این معضل میباشد لازم میباشد و اگر چنانچه همه پارامترهای عملاً موجود در نظر گرفته نشود و ظرافتهای برخورد با این مسئله مورد توجه واقع نگردد، شاید جبران خسارت حاصله از عهده نسلهای بعدی نیز خارج باشد.

بقیه در صفحه بعد

ادامه از صفحه قبل

پاسخ به مطالبات ...

یکی از رایج ترین شکل سیاسی برخورد با مسئله ملی در کشورهای عقب مانده که در آن تقریباً امکان طرح آزادانه خواستهای ملی - دمکراتیک برای توده ها و بویژه اقلیتهای ملی و مذهبی وجود ندارد همکاری و همکاری اقلیتهای تحت ستم با اپوزیسیون ترقی خواه میباشد. این همکاری و در جهت خواسته های مشروط و مشترک اکثر با هوشیاری و درایت هدایت گردد نهایتاً میتواند به سود دمکراسی و عدالت خواهی باشد.

یکی از نمونه های این همکاری که اخیراً صورت پذیرفت ائتلاف اریتره ایها با اپوزیسیون اتیوپی میباشد. ائتلافی که بعد از سقوط رژیم دیکتاتوری آزادی و استقلال اریتره را نیز به دنبال داشت.

لازم به تذکر است که بررسی سیاستهای قدرتهای بزرگ در قبال اقلیتهای ملی بغایت پیچیده میباشد و ظاهراً از قاعده معینی پیروی نمی نماید و نهایتاً به کم و کیف مناسبات سیاسی آنان با ملت‌های حاکم و در کشورهای مختلف مربوط میگردد. تأمین منافع استراتژیک برای قدرتهای بزرگ در درجه نخست قرار نمیگیرد. اما نباید پتانسیل دمکراتیک و انسانگرایانه در داخل این کشورها و در بین مردم آنها را که میتواند پارامتری تقویت کننده در جهت مبارزه آزادیخواهانه اقلیتهای ملی و مذهبی باشد از نظر دور داشت.

متدولوژی ضرور و واقعگرا در

دفاع از حقوق ملی و فرهنگی

قبلاً ذکر شد که یکی از انحرافی ترین شکل مرسوم در برخورد با حقوق ملی و فرهنگی اقلیتهای قومی در برخی کشورها و از جمله ایران همان مشکل تاریخی و دیرینه "آرشیوکرایبی" میباشد. طوریکه با آن روش هرکدام از هواخواهان ملی (چه ملت حاکم و چه اقلیتهای تحت ستم) برای به کرسی نشاندن منطق خود به داده های باستان شناسی روی می آورند و با استفاده از فاکتها و اسناد تاریخی و یا بعضاً با تکیه بر نوشته ها و نقل قولهایی از منابع مختلف برای قدیم و اصیل جلوه دادن ملت خودی تلاش میورزند.

در مورد صحت و سقم این فاکتها متأسفانه آنچنان معیار دقیق و علمی وجود ندارد و با در نظر داشتن امتزاج و اختلاط چند هزار ساله قومها در طول تاریخ مشکل میتوان بر اصلت و درستی آن راضی گردید.

اگر هم خوشبینانه بر این پدیده بنگریم این نوع شیوه بررسی وتحلیل از تاریخ تکامل ملتها تا زمانی که صرفاً در چارچوب مسائل آکادمیک سیر نماید امری عادی است و شاید هم لازم و اما اگر چنانچه به عاملی تبدیل شود که بر اساس آن با نگرشی شوونیستی تاریخ و حقانیت دیگر قومها به زیر سوال کشیده شود آنموقع میتواند چنین متدی بر ضد خود تبدیل شده و چه بسا ارزشهای دمکراتیک و اومانیستی را در سطح نومیذ کننده ای کاهش دهد.

تجربه تلخ تاریخ حاضر را که در آن با باور چنین متدی جنایات بسیاری آفریده شد

و دهها میلیون انسان بیگناه به دست نازیهای هیتلری و فاشیستهای ایتالیایی و میلیتاریستها و نژادپرستان ژاپنی و در طول دو جنگ جهانی قربانی گردیدند و ... هرگز نبایستی از نظرها دور داشت.

جنایاتی هم که دیروز در بوسنی و کوسوو به دست صربها رخ داد و در آن هزاران انسان بعد از تجاوز، ددمنشانه و به طور دسته جمعی دفن گردیدند و یا حتی امروز در جمهوری چین و فلسطین به دست روسها و اسرائیلیها نیست و نابود میشوند از چنین طرز تلقی از ملیت گرایی چندان دور نیست.

در نکته مقابل چنین متد انحرافی طرز تلقی واقع بینانه ای قرار دارد که بر اساس آن نقطه عزیمت برای اثبات حقوق ملی از کائال دمکراسی و اومانیسم میگذرد و آن منطق چندان هم پیچیده نیست و برعکس خیلی ساده میتوان گفت که تک تک آدمها بدون در نظر داشتن قومیت یا تابعیت آنان برای خود تاریخ و ریشه خاص خود را دارا میباشند و نهایتاً و سلسله وار جملگی آنان به نیاکان خود متصل میگردند (حال این نیاکان ممکن است از نسل میمون! باشد و شاید هم از نسل حضرت آدم!) و بنا بر این اصرار بر قدمت یا اصلت بیشتر قوم خودی نمودن چیزی جز مضحکه تاریخ نخواهد بود.

برای برحق و واقعی نشان دادن حقوق ملی هم احتیاج بر انتخاب راهها و شیوه ها ی پیچیده ای نیست و ماهیت و موجودیت فعلی این ملتها که بطور مثال هر کدام از آنان با شکل پوشش و زبان و اعتقادات

بقیه در صفحه بعد

ادامه از صفحه قبل

پاسخ به مطالبات ...

و باورهای قومی و مذهبی خود متجلی میگردند برای اثبات حقوق آنان کافیتست. اگر هم قرار باشد بر چگونگی این مقوله و اینکه واقعا يك اقلیت در مورد خود و تاریخ و حقانیت خود چگونه می اندیشد قضاوت گردد آن بهتر که انتخاب را بر خود آن ملت واگذاریم و بگذاریم تا آزادانه خود آن ملت در انتخاب راه و حق تعیین سرنوشت و آینده خود تصمیم بگیرد.

در شرایط کنونی در ایران شوونیستهای فارس اعم از ایران نوینی های سابق و جبهه ملی چی های نوین که عمری تفکر برتری طلبانه را در جهت محو حقانیت موجودیت مستقل دیگر اقلیتهای ملی پیش برده اند با شیوه نژادپرستانه مذکور سعی مینمایند تا ایران و تاریخ و کهولت آنرا فقط در قوم فارس خلاصه نمایند و برای قوت بخشیدن بر پندارها و آمال راسیستی خود نیز بر برخی نظریه پردازان غرب که دانسته یا نادانسته نظریاتی آنچنانی از تاریخ ایران دارند رو می آورند و... متأسفانه برخی از اقلیتهای ملی ترك تبار نیز متقابلا با همان روش و با استفاده از باستانشناسی و برخی فاکتورهای تاریخی بر قدمت تورانیان پافشاری می نمایند. روشی که اگر بر فرجام آن با تعهد و مسئولیت نگرسته نشود چه بسا میتواند نیروهای صادق و دمکراتی را نیز به انحراف بکشاند. و به جای نگرشی

انسانگرایانه و دمکراتیک از مسئله ملی و حقوق انسانی اقلیتهای تحت ستم نگرشی کوتاه بینانه و راسیستی جایگزین گردد. حاصلی که درو آن تنها به نفع و آمال درونی نیروهای واپسگرا و سرکوبگر خواهد بود.

نژادپرستان آریایی ما بارها کوشیده اند تا با شیوه خود واقعیت اقلیتهای ملی و چندفرهنگی بودن ایران را انکار نمایند و بدین منظور تمامی تلاش آنان این بوده است تا تعداد اقلیتهای ملی ایرانی را در حد ترکمن ها و اعراب محدود بنمایند.

آنان آذریهای ترك تبار ایرانی را همراه با کردها در کلکسیون آریاییها قرار داده و به دین خاطر حقانیت و واقعیت ملی و فرهنگی متمایز این دو ملت بزرگ و قوی را با متد راسیسم نفی نموده و برای خفه کردن جنبش آنان توطئه چینی می نمایند.

همین آریاییهای پاك نژاد ما شاید فراموش کرده اند که: "آن موقع که در دوران پهلوی در مسند قدرت و حاکمیت بوده اند و برای ایران و سرنوشت آن تصمیم میگرفتند چگونه در جهت تحقیر آذربایجانیها از اصطلاح ترك خر بهره می جستند و...". اما آنان امروز که آینده ایران را پنداربافانه در خطر تلاشی و تجزیه می بینند سعی می کنند با دروغ پردازی ها و قلب تاریخ آنان را در کنار آریایی نژادها قرار دهند!! غافل از اینکه حتی در آن حالت نیز راهی برای گریز ندارند چرا که خیلی از ملتیهایی که راه مستقلانه ای را برگزیده اند با ملت حاکم قبلی هم کیش و هم نژاد بوده اند. نزنونه های بارز آن نروژیها و سوندیها و اخیرا

صریها و کروواتها و خلاصه بسیاری دیگر میباشد.

در نوشتن مطلب حاضر از منابع بسیاری سود برده ام ولی از آنجا که ندرتا فاکت مشخصی را از منبع معینی در نوشته خود آورده ام و سعی نمودم تا نقطه نظرات و برداشتهای خودم از مقولات برجسته گردد لذا لزومی نیافته ام تا منابع عدیده مذکور را قید نمایم.

گوکی

ادامه از صفحه ۴

دوباره نامه ترکهای

آذری ...

نیز تلاشهایی گسترده و با توجه به شرایط و ویژگیهای خود در جهت رفع ستمهای ملی و برابر حقوقی دارند. این تلاشها زمانی بیشتر و بهتر مثمر ثمر خواهد بود که همیاری و هماهنگی مابین این نیروهای ملی برقرار باشد. حاکمیت و عوامل شوونیست و برنامه گزاران آن همیشه تلاش کرده اند که در روند همکاری های ملیت ها کارشکنی نموده و با پیشبرد سیاست هایی مزورانه زمینه های اختلاف و بدبینی را در میان آنان پدید آورد. می بایستی که به این امر حساس بسیار آگاهانه و با سیاستی که تأمین کننده منافع و مصالح عمومی باشد و در جهت تفاهم و توافق عمل نمود.

گزارش يك محقق و باستانشناس ایرانی : ترکمنستان مهد تمدن

آقای ابولقاسم ملکی ، محقق و باستانشناس ایرانی در کنفرانس بین المللی میراث فرهنگی ترکمنستان تحت عنوان "ترکمنستان سرزمینی کهن و کاوش در جنوب ترکمنستان" سخنرانی کرد. وی می گوید، تا پیش از این برای اکثر باستانشناسان ایرانی و حتی کسانی که مطالعات خویش را در شرق ایران متمرکز کرده بودند، آگاهی از نتایج فعالیت های باستانشناسی در آسیای مرکزی در عمل امکان پذیر نبود. حفاری های باستانشناسی و مطالعه فرهنگ های پیش از تاریخ در استان های شرقی ایران بویژه خطه خراسان بطور قطع نیاز به آگاهی وسیع از فرهنگ های قبل از تاریخ سرزمین های همسایه به ویژه جنوب ترکمنستان دارد. آقای ملکی در این سخنرانی خود به تشریح سوابق نخستین مطالعات در ترکمنستان از سال های ۱۹۱۶ به بعد پرداخته و می گوید، به دنبال حفاریهای "آلتین دغه" در نزدیکی عشق آباد در سال ۱۹۶۵ يك جامعه پیچیده شهری در دامنه کوههای کویت داغ در طول دوران مفرغ قدیم کشف شد. مطالعات موسسه تاریخ عشق آباد در سال ۱۹۷۴ در مرغاب نیز جنبه های ناشناخته ای از زندگی اسکان یافته را در دشت های آسیای مرکزی در عصر مفرغ آشکار کرد. حفاری های نیمه

اول قرن بیستم در ایران، پاکستان، و افغانستان وجود يك تمدن پیچیده عصر مفرغ را در جنوب آسیای مرکزی تایید میکند. همچنین گمانه زنی در "ماسودا" درتپه سنگ چخماق شاهرود در ایران و "یاریم دغه" در گنبد قابوس ، تاریخ اسکان انسان را در شمال شرق ایران به هزاره هفتم قرن میلادی می رساند. این محقق اضافه کرد، بررسی های باستانشناسی دانشگاه هیروشیمای ژاپن در غرب دشت گرگان (ترکمنصحرا) نیز شناسایی بخشی از محوطه متعلق به دوران عصر مفرغ و اوایل عصر آهن را به دنبال داشته است. آثار بدست آمده در حفره يك گمانه در "یوم دغه" در دره شمالی اترک در سال ۸-۱۹۷۶ و آثاری از دوران مرحله پایانی نوسنگی ، مفرغ و آهن در شمال استان خراسان با آثار کشف شده در جنوب ترکمنستان شباهت دارند. به گفته وی کهنترین مراحل سنگی یا دوره "جیتون" همچنان نیاز به بررسی دارد.

بر اساس مدارک موجود جوامع منسوب به فرهنگ تولیدی غذای "جیتون" به طور استثنائی در منطقه وسیعی از جنوب شرقی ترکمنستان در شرق تا حدود شاهرود در فلات ایران در غرب گسترده است. محوطه موسوم به "جیتون" به عنوان الگو به طول کامل حفاری شده و گفته می شود که در این مکان سی خانوار در خانه های کوچک تک اتاقی همشکل می زیسته و معاش خود را از کشاورزی آبی به صورت ساده تامین کرده و همگام با آن به شکار می رفته اند. این محقق ایرانی همچنین به بررسی "آلتین دغه" در مرحله پایانی دوران نوسنگی و

ترکیه و اتحادیه اروپا

کدام کشور بزرگ بین ایرلند و هندوستان امسال رشد اقتصادی بالاتری از ۵ درصد خواهد داشت؟

کشوری که سریع ترین رشد بازار تلفن همراه و تجارت بانکی را داراست و پرتحرک ترین بازار بورس را دارد.

جمعیت کدام کشور بزودی برابر جمعیت آلمان خواهد شد؟ با این تفاوت که تعداد افراد ۲۳ ساله آن در مقایسه با آلمان دو برابر خواهد بود، کشوری که مساحت آن به اندازه مساحت آلمان و فرانسه رویهم یعنی تقریباً ۸۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع است، متاسفانه ۹۷ درصد این کشور در آسیا و فقط درصد ناچیز آن یعنی ۲ درصد آن در اروپا قرار دارد و متاسفانه ۹۹ درصد جمعیت این کشور مسلمان هستند. بدین خاطر است که اروپائیان در رابطه با ترکیه بیشتر در مبارزه با ترس و توهم خویش هستند تا اینکه بطور جدی به مسئله ترکیه پرداخت نمایند، چرا که ترکیه در صدد آن است که به

اروپا ملحق شود، اما برای غریبهها این کشور "شرق" است و در مجموعه ارزشهای غربی، بیگانه و حتی دشمن، گرچه در آنجا اثری از سلطانها و پادشاهان نمانده است.

ما اروپائیان ترکها را بخاطر سرعت مدرنیزه شدن نکوهش میکنیم، بعضی ها هراس از برخورد فرهنگها دارند و اینکه صدای اذان مساجد بر صدای ناقوس کلیسا غلبه نماید، اما مدتهاست که ترکیه دیگر "شرق" نیست وگرنه سال ۱۹۵۲ ناتو آنها را به عنوان سنگری علیه شوروی سابق نمی پذیرفت، جامعه اقتصادی اروپا در سال ۱۹۶۲ قرارداد اتحاد با ترکیه را امضا نمود، ۲۷ سال بعد از آن هم ترکیه در انتظار گفتگوی ورود به جامعه اروپا میباشد، نشست ۱۹۹۷ اتحادیه اروپا در لوکزامبورگ با تشخیص عدم شایستگی ترکیه در

اتحادیه اروپا برخوردی تحقیرآمیز با ترکیه نمود، چرا که اتکا به نفس ترکها برای غرب بی تفاوت بود، درآمد ناخالص سرانه ملی ترکیه دیری است که بالاتر از کشورهای پذیرفته شده به نامزدی اتحادیه اروپا مثل رومانی و بلغارستان میباشد، البته عضویت ترکیه در اتحادیه اروپا گران تمام خواهد شد چرا که ترکیه برای هر اوپروی پرداختی به صندوق مشترک ۲.۶ اوپرو دریافت خواهد نمود اما یونان ۴.۶ اورو دریافت میکند، یکی از مردان برجسته سیاست اروپا یعنی هلموت کهل صدراعظم سابق آلمان از مخالفان جدی پیوستن ترکیه به اروپا بود و سبب اختلافات جدی بین خود و مسعود ییلماز نخست وزیر ترکیه گردید، آیا کهل بدان گونه که ییلماز میگوید اتحادیه اروپا را "کلپ مسیحیان" درک میکرد، اما

به گفته بیلماز هلموت کهل با اهانت به ترکها اشتباه تاریخی نمود که مشکل بتوان از آن گذشت.

چرا که حساب تاریخی ترکها از نگاه مثبت و منفی و با احتساب خدمات و ضررهایش قابل تحسین بوده و اروپائیان بیش از آنکه امروز بدان اقرار مینمایند نقش مؤثری در چگونگی تکوین آن داشتند.

در قرن پانزدهم زمانی که ترکها امپراتوری روم شرقی مسیحی- ارتدکس را با زور و ترور، اما در ضمن با تولورانس و بایستگی در امپراتوری عثمانی- اسلامی ادغام نمودند، رومیهای مغلوب را چنان جذب سیستم و جامعه خویش نمودند که شماری از تاریخ نویسان، کشور سلطانه را حکومت مشترک ترکها- یونانها می‌شمارند.

حاجیبا صوفیای استانبول آثار باستانی برجسته دوره روم شرقی که از سال ۱۴۵۲ مسجد بود، علیرغم خواسته های اسلامگراها از سال ۱۹۲۴ به موزه تبدیل شد. برخلاف آن کلیسای دم شهر کلن هیچگاه موزه نخواهد شد.

در ایدئولوژی عثمانیها اسلام ادامه مسیحیت روم شرقی بوده، با اینکه هر دو تنوکراتهای

مرکزگرا بودند. در قرن ۱۶ ترکها یکی از اجزا تشکیل دهنده سیستم اتحادیه اروپا بودند و تا امروز هم مانده اند. در سال ۱۵۲۹ و ۱۶۸۲ ترکها تا پشت دروازه های وین آمدند و تقریباً وین را فتح نمودند. پادشاه فرانسه که ابائی از تحریک مسلمانان علیه مسیحیان نداشت، با هم پیمانی و کمک ترکها توانست اشتراسبورگ را از آلمان جدا نماید.

در مقایسه، حاکمان رفرمیست ترکیه چرخش اساسی یعنی عدم ایستایی اروپائی شدن را بموقع تشخیص دادند. قبل از همه با جدائی دین و دولت اولین قانون اساسی عثمانی در سال ۱۸۷۶ میلادی امپراتوری مشروطه را اعلام نموده، حکومت را نمادی برگرفته از قانون می داند. امپراتوری درحال سقوط، بازارهای خود را به روی سرمایه های غربی باز میکند. بعد از ورشکست شدن کشور در سال ۱۸۷۵ میلادی بانکهای غربی حتی اجازه دریافت مالیات داشتند، قدرتهای پیروز غربی، پس از جنگ جهانی اول، در نقش استعمارگران بیرحم وارد میدان میشوند.

انگلیسیها قسطنطنیه را اشغال نمودند و در سال ۱۹۲۰ پارلمان ترکیه را بستند و نمایندگان را بازداشت نمودند. از میان ایده آلهای ترکهای جوان، مردی با افکار اروپائی پا به عرصه نهاد.

مصطفی کمال آتاترک پیرو ایده های عبدالله جودت : تمدن یعنی تمدن اروپائی و این تمدن باید پیاده شود با تمام محاسن و معایب آن بود. کمال بزرگترین انقلابی فرهنگی اروپائی قرن بیستم میباشد. او بنیادگرایی مسلمانی- شرقی در ترکیه را از میان برمیدارد. از اقدامات او میباشد:

جایگزینی الفبای لاتین بجای الفبای عربی، ممنوعیت چند همسری، ممنوعیت چادر، جاری ساختن قوانین مدنی سونیس در کشور، برچیدن رسوم خلافت .

آنچه را که ترکهای جوان و سلطانهای رفرمیست شروع کرده بودند، او به سرانجام میرساند.

کمال آتاترک بر خلاف مردان معاصر اروپائی خویش مانند لنین ، هیتلر یا موسولینی

ایدئولوگ نبوده بلکه سیاستمداری واقع بین بوده است. با این همه وی نیز پیام دهنده است و نوید میدهد که ما باید از تمدن شرقی روی گردانیم و به تمدن غربی روی آوریم. بر خلاف آفریده های لنین، هیتلر، موسولینی ساخته های وی گذری صد ساله را از سر گذراند. با این وجود وی چنان مفهوم کمالیستی را در رگهای جامعه و طبقات متوسط تزریق نموده است که در آن حقوق شهروندی و قانونیت فرصت رشد پیدا نمیکنند.

رشوه خواری، ترور دولتی و ترورهای جمعی چهره کشور را تیره می سازند و اقلیتهایی مثل کردها انتظار نوعی تولورانس را نمی توانند داشته باشند. رفتار غرب هم با استقلال طلبها تا چندی پیش بهتر از برخورد کمالیستها با کردها نبوده است مثلاً برخورد انگلیس با کاتویکهای ایرلند - شمالی، اسپانیا با باسکها، فرانسه با کورزی ها. غرب در این میان آموخت اما چه بی راهجه ها و کج روی ها که نکرد. بدین جهت حق سرزنش ترکها را در این زمینه از خویش سلب نمود. با تأیید کاندیداتوری اتحادیه اروپا

در سال ۱۹۹۹ اروپائیان بدون اینکه اقرار به کوتاهی خود نمایند، خواستند که به گونه ای اشتباه خویش را در نشست لوکزامبورگ تصحیح نمایند.

نادیده گرفتن جهتگیری اقتصادی ترکیه به سوی غرب تحت رهبری تورگوت اوزال غیر ممکن بود. خصوصی سازی سریع همراه با محدود نمودن اقتصاد دولتی فضا را برای بازار و رقابت آزاد باز نمود. نتایج طبیعی آن ۱۰ میلیون بیکار و بیش از ۷۰ درصد تورم.

بزحمت کسی باور میکنند که مذاکرات پیوست به اتحادیه اروپا، آنچنانکه اجویت عقیده دارد در سال ۲۰۰۴ شروع خواهد شد. اتحادیه اروپا نباید وقت زیادی را تلف نماید، چرا که در این صورت با میدان دادن به اسلام گراها ترکیه را به شرق پس خواهند راند، راه درازی را که آنها به سمت غرب پشت سر گذارده اند، بلعکس هر چه ترکیه به اروپا نزدیکتر شود، کمبودهایش در زمینه حقوق بشر و حقوق شهروندی بازسازی

بر طرف خواهد شد و شانس اسلامگراها به همان اندازه کمتر خواهد گردید. گرچه برای اروپائیان لیبرال ناخوشایند است، اما حقیقت این است که در کنار اروپا سنگر دیگری نیز یعنی نظامیان بر علیه اسلام گرایان وجود دارند. آنگونه که اروپائیان بی رغبت ادعا میکنند ترکیه تنها، دروازه اروپا به شرق نبوده بلکه پتانسیل عظیم اقتصادی این کشور پهناور، در دراز مدت غیر قابل انکار است.

قدیمی ترین دمکراسی در منطقه مدیترانه شرقی با وجود تمام کمبودها در زمینه حقوق بشر به نوشته تایم می تواند موتور حرکت منطقه و یا حتی به گفته اسماعیل جم وزیر امور خارجه ترکیه مرکز استراتژیک اروپا- آسیا باشد.

این مقاله ترجمه و تلخیصی از نوشته دیترو ویلد معاون سردبیر (تا سال ۱۹۹۸) هفته نامه آلمانی "اشپیکل" شماره ۴۰ سال ۲۰۰۰ میباشد.

در مراسم عروسی دختران ترکمن در ترکمنصحرا

نگاهی به آداب و رسوم عروسی در ترکمنصحرا

مراسم عروسی بین ترکمن ها پر از راز و رمز است و از خواستگاری تا ازدواج آدابی با فلسفه خاص دارد که از دوران ساده عشیرتی ، دوران مالکیت خان -خانی و باورهای آنان ریشه می گیرد. ازدواج بین ترکمن ها همیشه مشکل بوده ، اکنون نیز " صلاح " (آواره) عنوان مردانی است که نمی توانند زن بگیرند و آواره دشت و بیابان می شوند. آنها هنوز هم هستند. آنچه می خوانید تحقیقی است پیرامون آداب امروز - عروسی بین ترکمن ها در ترکمنصحرای ایران.

سوز آتماق (بله برون)

پدر، مادر و فامیل های درجه يك به اتفاق داماد تصمیم می گیرند از دختر مورد نظرشان خواستگاری کنند و برای این کار ابتدا یکی از فامیل های داماد برای جلب موافقت پدر عروس به منزل او می رود و پس از گفت و گو در این مورد، پدر عروس از خانواده داماد وقت می گیرد تا جواب بدهد. پدر عروس نیز به نوبه خود مشورت می کند و نهایتا به خانواده داماد جواب می دهد و موافقتشان را اعلام می کنند.

دادنشماق (شیرینی خوری)

زنان و دختران نخستین کسانی هستند که رسماً آغاز يك مراسم عروسی را به گوش اوبه (روستا) می رسانند. آنها با تعیین وقت قبلی به خانه عروس می روند و به همراه هدایایی برای عروس ، مراسم روز دادنشماق (شیرینی خوری) را اجرا می کنند. البته شیرینی هایی که گفته شد از نوع نامهای محلی مانند " قاتلاما" و " پوسنق " است .

قالینگ (مهریه)

مهریه در عروسی ترکمن ها آن چیزی که در قباله ازدواج می نویسند ، نیست . بلکه مبلغی است که خانواده داماد آن را نقداً به خانواده عروس می پردازد و این مبلغ اکنون نزدیک به يك میلیون تومان است . سابق بر این تعیین رقم این مبلغ به عهده یاشولی های (ریش سفیدهای) طایفه داماد بود ولی اکنون بر اساس عرف محل خانواده عروس و داماد به توافق های این چنینی می رسند، البته پدر عروس تمام آن مبلغ را برای خرید جهیزه خرج می

کند.

سحت بللمک (تعیین وقت)

تعیین وقت مناسب برای برگزاری مراسم عروسی از دیگر آداب موجود بین ترکمن هاست که بستگی به آمادگی خانواده عروس دارد. بطوری که اگر فرش ، پستی ، جانماز و دیگر جهیزه های بافتنی عروسی به تعداد کافی آماده نباشد، عروسی به چند ماه بعد موکول می شود تا عروس بتواند در این فرصت آنها را بیافد و آماده کند.

کارت یازماق (کارت دعوت عروسی نوشتن)

کارت نویسی یکی از مراسمی است که حدوداً دو هفته قبل از مراسم عروسی برگزار می شود. برای این مراسم عروسی از دوستان داماد دعوت می شود؛ ترکمن ها در عروسی هایشان چند نوع کارت چاپ می کنند. کارت عروس ، کارت داماد ، کارت پدر و مادر ، کارت برادران داماد ، کارت پسر عمو های داماد که هر کدام از آنها بدین وسیله دوستان و آشنایان خود را برای شرکت در مراسم عروسی دعوت می کنند.

طوی گونی (روز عروسی)

یک روز قبل از آوردن عروس ، مراسم جشن و سرور در خانه داماد بر پا می شود و جشن کوچکی نیز در خانه عروس برگزار می شود. فامیلهای نزدیک داماد نخستین کسانی هستند که اول صبح در این مراسم شرکت می کنند و در روستاها دو موتورسیکلت به خانه تک تک اهالی می روند و آنها را برای شرکت در عروسی دعوت می کنند. در تمامی عروسی ها عصرها برای پر کردن وقت مهمانان مسابقه های والیبال ، فوتبال و دومیدانی برگزار می شود و در شب عروسی جوایزی به آنان داده می شود. همچنین گروه های موسیقی جاز در مراسم عروسی برنامه اجرا می کنند و اکنون دیگر در کمتر مراسمی صدای حزین دوتار و بخشی (خواننده و نوازنده ترکمن) را می توانید بشنوید. اینها همه در خانه دوست داماد که مصایب (مصاحب) گفته می شود برگزار می شود.

روز بعد کجاوه بی را پشت اتومبیل سواری می بندند و اهالی روستا از کوچک و بزرگ ، زن و مرد ، دختر و پسر به همراه "یاش اولی ها" بطرف خانه عروس به راه می افتند. در این هنگام عروس به همراه دوستانش در خانه عموی خود است . پس از صرف نهار در خانه عروس " یاش اولی ها " پول مهریه را به یکی از " یاش اولی های " طایفه عروس می دهند و عروس را با خود به سوی خانه داماد می آورند. در این موقع جوانان روستا با پرتاب سنگ و کلوخ به سوی کجاوه عروس و اتومبیل های حامل مهمانان طایفه داماد نارضایتی خود را ابراز می دارند. از طرفی در ضمن عبور آنها از هر روستایی مردم روستا برای خوشبختی عروس و داماد دعا می کنند.

گورش (کشتی مخصوص)

مهمان هایی که برای عروسی آمدند در یک محل جمع می شوند تا مسابقه های گورش (کشتی) برگزار شود. البته اکنون در کمتر عروسی این مسابقه برگزار می شود و فقط مبالغی که مهمانان به عنوان جایزه (بایراق) می دهند به عنوان کمک برای مخارج سنگین عروسی به پدر داماد داده می شود.

سچگی (انتخاب)

همراه با رسیدن عروس در خوردن غذا در خانه داماد ، مراسم سچگی اجرا می شود و هر کدام از قوم و خویشان

داماد سکه های پول به طرف مردم پخش می کنند و یا اینکه شی بخصوصی را به هوا پرتاب می کنند و به گیرنده آن پول نقد می دهند.

نکاح

آخوندی (روحانی) به وکالت از طرف عروس و داماد که به انتخاب خود آنان است ، نزد آخوند دیگری رفته ، مراسم عقد را برگزار می کنند. در این حال چند مرد در گوشه های اتاق مشغول به قیچی زدن هستند به این اعتقاد که نیت به هر دشمنی در حین خواندن خطبه عقد در دم قیچی پاره شود.

الشدیرمه (دست به دست هم دادن)

قبل از غروب آفتاب دست عروس و داماد را در دست یکدیگر گذاشته و زنان برای خوشبختی آنان اشعاری به این مضمون می خوانند: پیران بد میپوشان ، نان جو مخوران ، دست راستش را در روغن زرد و دست چپش را در آرد بگذار، پول های زیادی خرجش کن ، پیراهن گرانبها برایش بخر، ماه رو را به تو سپردم ، تو را به خدا.

چای

اول شب دوستان داماد دسته جمعی به اتاق عروس و داماد می روند تا از دست نو عروس چای بنوشند و هر کدام هدیه بی می دهند و هدیه بی می گیرند. فلسفه این مراسم بدین سبب است که چون عروس و داماد تازه همدیگر را ملاقات می کنند، این افراد باعث باز شدن سر صحبت می شوند.

قایتارماق (برگرداندن)

بعد از دو روز عروس را به خانه خودشان بر می گردانند، در حالی که اکنون به جای کلاه دخترانه (بوریک) پیشانی بندی به شک دایره و به نام " آکین دانگی " به سر دارد. داماد نیز همان روز به خانه عروس می رود و مراسم یاراشملق (آشتی) بین داماد و خانواده عروس برگزار می گردد.

گفتنی است که این مراسم در سالهای دور بعد از دو سال انجام می گرفت و بدین صورت داماد در این دو سال همیشه مخفیانه نزد همسرش می رفت تا مبادا پدر ، برادر یا اقوام عروس وی را ببینند. در مراسم قایتارماق پدر عروس هدایایی به داماد می دهد و او نیز با قبول آن به همراه دیگران به خانه خود باز می گردد و این چنین يك وصلت انجام می پذیرد.

تهیه کننده : موسی

منبع :

در مراسم عروسی دختران رنگین جامه. نوشته شاعر، نویسنده و ژورنالیست ناز محمد بقیه . روزنامه ایران.

۲۲ مرداد ۱۳۷۹ .

اخبار ترکمنصحرا

کشف سکه های دوره صفوی در ترکمنصحرا

رئیس اداره میراث فرهنگی شهرستان گنبد کاووس گفت که سکه هانی متعلق به دوران صفویه در یکی ای روستاهای شهرستان کلاله کشف گردیده است. در روی این سکه ها عبارات مذهبی و محل ضرب و نام شخصی نوشته شده است که بدرستی مشخص نیست. سال ضرب این سکه ها بنا به گفته رئیس اداره میراث فرهنگی ۹۱۴ هجری قمری اعلام شده است و همه این سکه ها به گرگان انتقال یافته است.

فراکسیون نمایندگان کرد در مجلس خواستار توقف درگیری ها در کردستان عراق شدند.

"فراکسیون نمایندگان کرد" در مجلس شورای اسلامی پس از تشکیل خود به فعالیت هایش ادامه داده و درخور توجه محافل سیاسی در درون و بیرون حاکمیت قرار گرفته است. اخیراً این فراکسیون با انتشار بیانیه ای از تمامی محافل کرد عراق خواسته است که از جنگ و برادرکشی پرهیزند و کنفرانس آشتی تشکیل دهند.

ذخائر ماهیان استخوانی دریای خزر

مرکز تکثیر و پرورش بچه ماهیان استخوانی سیجوال در بندرترکمن، در بستر رودخانه ای که در گذشته محل تخم ریزی ماهیان بود، احداث شده و تنها مرکز تکثیر و پرورش این نوع ماهی استخوانی در ایران محسوب می شود. در این مرکز ماهیان سفید، و کپور دریایی به عنوان ذخائر ماهیان استخوانی فلس دار دریای خزر، تکثیر و پرورش داده می شود. فعالیت این مرکز از سال ۱۳۷۶ آغاز شده و هر ساله میلیونها قطعه ماهی پرورش و در دریا رهاسازی کند. قرار است امسال تعداد ماهیان رها شده به ۲۲۰ میلیون قطعه برسد.

روستاهای ترکمنصحرا فاقد آب لوله کشی و مخابرات

روستای قره آقچلی در ۹۰ کیلومتری کلاله فاقد آب آشامیدنی، مدرسه ابتدایی و یک خط تلفن است. مدرسه ابتدایی این روستا را

خود اهالی ساختند و به علت بارندگی ویران شده است.

کلاله شهرستان شد

در طی تقسیمات نابرابر وزرات کشور جمهوری اسلامی ایران، ترکمنصحرا در دو استان ایران: خراسان و "گلستان" تقسیم شد. تقسیمات وزرات کشور بخشی از سیاست های حاکم کشور است که در رابطه با اقلیت ملی ترکمن در پیش گرفته می شود. در نتیجه این تقسیمات ترکمن ها از حق برخورداری از نمایندگان خود در مجلس و همچنین از سرمایه گذاری دولت محروم هستند.

بسیاری از مناطق ترکمن صحرا از لحاظ تقسیمات کشوری با وجود برخورداری از شرائط متناسب هنوز بخش و یا روستا محسوب می شوند. از جمله بخش کمیش دغه، بخش آق قلا و ... خوشبختانه اخیراً بخش کلاله شهرستان شد.

مسئولیت های اداری این شهر در دست افراد غیر بومی است و ترکمن ها در دستگاههای اداری نقشی ندارند. بخشداری کلاله اکنون فرمانداری شده و فرماندار شهرستان مینودشت به عنوان سرپرست فرمانداری شهرستان کلاله اعلام شده است.

مرمت شهر باستانی "جرجان"

رئیس اداره میراث فرهنگی شهرستان گنبد کاووس گفت: مرحله دوم طرح ساماندهی و مرمت شهر باستانی جرجان هفته جاری در حومه شهر گنبد به اجرا در آمد. سبحانقلی حمیدی افزود: با ۲۰ میلیون ریال اعتبار قسمتی از این شهر تاریخی که قبلا از زیر خاک بیرون آورده شده است با رعایت تمامی موازین معماری اصلی شهر مرمت می شود. شهر تاریخی جرجان یکی از پر جمعیت ترین شهرها و نیز از قطبهای اقتصادی و فرهنگی شهرهای قدیم ایران بشمار می رفته که در زمان مغولها ویران شده است. تا کنون سه نقطه از این شهر تاریخی شامل آثاری از چند کوچه و خیابان، يك مقسم آب ، حمام و تعدادی کارگاه صنعتی از زیر خاک بیرون آورده شده است. وی افزود: در حال حاضر بخشی از شهر تاریخی جرجان در حومه گنبد و بخشی نیز در داخل محدوده این شهر قرار دارد. شهر جرجان در زمان سلسله "سامانیان" از شهرهای با رونق ایران بوده و در سال ۶۲۱ هجری در حمله مغولها به ایران تخریب شده است.

اجرای يك طرح با همکاری سازمان ملل در استان گلستان

مشاور وزیر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی گفت: استان گلستان یکی از استانهای منتخب کشور است که برنامه بهداشت باروری با همکاری صندوق جمعیت سازمان ملل در آن اجرا می شود. "بهداشت باروری" برنامه ای است که سلامت کامل فیزیکی ، روانی و اجتماعی زنان را از مرحله تولد، رشد، باروری، مادرشدن و تا پایان مرحله باروری در بر میگیرد. بر خلاف سنوات گذشته که اعتبارات دریافتی از صندوق جمعیت سازمان ملل صرف تقویت بهداشت باروری در کل کشور میشد و نتیجه محسوسی نداشت. امسال این اعتبارات برای مقاصد خاص در چهار استان کشور شامل بوشهر، سیستان و بلوچستان ، کردستان و گلستان و منطقه اسلام شهر تهران دنبال می شود.

شهر باستانی "دشت قلعه" آماده بازدید گردشگران شد

شهر باستانی "دشت قلعه" در استان گلستان از آثار به جای مانده دوران اشکانی ، با انجام عملیات ساماندهی برای بازدید گردشگران آماده شد. این

شهر دارای حصار داخلی و خارجی می باشد که با خندقی در وسط بنا شده است . دشت قلعه برای نخستین بار در سال ۱۲۵۲ مورد کاوش قرار گرفت . آثار به جای مانده از " دشت قلعه" نشانگر این است که دیوارها از شش ردیف آجر به قرینه یکدیگر با ضخامتی سه و نیم متر بنا شده . شهر باستانی " دشت قلعه " در غرب شهر گنبدکاووس واقع است .

۱۸ تن خاویار در ترکمنصحرا تولید شد

از مجموع ۶۹۰۰ قطعه انواع ماهیان خاویاری صید شده در سواحل ترکمنصحرا ۱۸ تن و ۶۲۹ کیلوگرم خاویار و افزون بر ۹۵ تن گوشت ماهیان خاویاری استحصال شده است. ارزش ریالی این میزان خاویار تولید شده با متوسط قیمت هر کیلو خاویار ۱۲۰۰ مارك ، ۹۱ میلیارد و ۵۹۲ میلیون ریال است . مدت صید ماهیان خاویاری در ترکمنصحرا بر خلاف استانهای کیلان و مازندران که ۶ ماه است به مدت ۱۰ ماه انجام می شود.

۲۲ هزار هکتار زیر کشت دو نوع دانه روغنی

در سال زراعی جاری ۲۲ هزار و ۴۲۵ هکتار اراضی ترکمنصحرا به کشت سویا و

لوله خزر ابتدا هزینه های کنسرسیوم تامین شده و سپس برای ترکمنستان سود آوری داشته باشد.

برگزاری کنفرانس همکاری های اقتصادی آسیای میانه و شرقی در ترکمنستان

کنفرانس بین المللی همکاری های اقتصادی آسیای میانه و شرقی در قرن بیست و یکم در عشق آباد برگزار شد. در این کنفرانس کارشناسانی از ۱۰ کشور ژاپن، چین، ترکمنستان، آمریکا، روسیه، ازبکستان، قرقیزستان، قزاقستان، کره و تاجیکستان شرکت داشتند. در این کنفرانس کارشناسان شرکت کننده در زمینه مشکلات، همکاری ها و توسعه روابط اقتصادی، امنیت منطقه و جغرافیای طبیعی به بحث و تبادل نظر پرداختند. این کنفرانس را صندوق بین المللی ساساکاوا با همکاری وزارت امور خارجه و برخی موسسات اقتصادی و مالی ترکمنستان برگزار کرده است.

۴۲۷ شوری کشاورزی، کشت این محصول اساسی دوباره رونق گرفت و مقام نخست تولید پنبه را برای استان جدید التاسیس گلستان ثبت کرد.

نیاوزف: ایران بهترین مسیر است

رئیس جمهور ترکمنستان اعلام کرد: ایران بهترین، مطمئن ترین و نزدیک ترین مسیر انتقال گاز ترکمنستان به ترکیه است که می تواند مورد بررسی قرار گیرد. صفرمراد نیاوزف که هنگام بدرقه اسلام کریم اف رئیس جمهور ازبکستان با خبرنگاران گفتگو میکرد، افزود: نمایندگی شرکت پی اس جی و سرپرست ترانس خزر بطور موقت در عشق آباد تعطیل می شود و پس از حل این مساله دوباره فعالیت خواهد کرد. نمایندگی این شرکت که سرپرستی کنسرسیوم طرح خط لوله ترانس خزر را به عهده دارد اعلام کرد که فعالیت خود را ظرف یک ماه آینده در عشق آباد تعطیل خواهد نمود. مسئول ترانس خزر در عشق آباد دلیل این مساله را عدم پاسخ قاطع ترکمنستان برای اجرای خط لوله، ترکمنستان، آذربایجان و ترکیه دانست. رئیس جمهور ترکمنستان گفت موافق پیشنهاد مالی ارانه کنسرسیوم طرح ترانس خزر نیست. کنسرسیوم طرح خزر پیشنهاد کرده است که با بهره برداری از طرح خط

آفتابگردان اختصاص یافت. در این سال سطح سبز سویا به ۲۴ هزار و دویست هکتار رسید که از این میزان ۲۰ هزار و ششصد هکتار، کشت آبی است. دانه های روغنی آفتابگردان نیز امسال در سطح هشت هزار و ۲۲۵ هکتار کشت شد که تنها ۲۸۵ هکتار آن آبی است. کشت محصول جدیدی بنام " گلرنگ " در ترکمنصحرا امسال برای اولین بار در سطح ۱۵ هکتار به صورت آزمایشی انجام گرفته است. ترکمنصحرا امسال همچنین با تولید ۵ هزار و پانصد تن دانه روغنی از سطح ۴ هزار و ششصد هکتار سطح سبز، مقام نخست تولید کلزا را در کشور بدست آورد. ۴۰ درصد دانه های روغنی کشور با کشت محصولاتی چون پنبه، سویا، کلزا و آفتابگردان در ترکمنصحرا بدست می آید.

برداشت پنبه از ۸۰ هزار هکتار اراضی ترکمنصحرا

برداشت محصول پنبه از ۸۰ هزار هکتار از زمین های کشاورزی ترکمنصحرا آغاز شد. از این سطح ۱۲۰ تا ۱۴۰ هزار تن پنبه برداشت می شود که نسبت به میزان تولید سال گذشته ۲۵ هزار تن بیشتر است. امسال با تلاش بیش از ۲۰ هزار نفر و

اخبار آسیای میانه و منطقه

برکناری مقامات دولتی در ترکمنستان

بنا به گزارش روزنامه ترکمنستان ، روزنامه رسمی جمهوری ترکمنستان، صفر مراد نیازوف هفت نفر از مقامات منطقه ای را به همراه سه تن از معاونانشان در "ولایت" لباب برکنار کرد. یک هفته پیش از آن نیز ۲ تن دیگر مقامات بلند پایه از منطقه دیگر ترکمنستان از کارشان برکنار شدند. علت برکناری آنها این بوده است که این افراد نتوانستند محصول پنبه را به موقع برداشت کنند. آقای نیازوف می گوید ، پائین آمدن سطح تولید پنبه بخاطر ناکارآمدی رهبران این مناطق بوده است. نیازوف این امر را رد می کند که بدی آب و هوا و کمبود آب علت این امر بوده است.

ایران می خواهد گاز ترکمنستان را ارزان بخرد

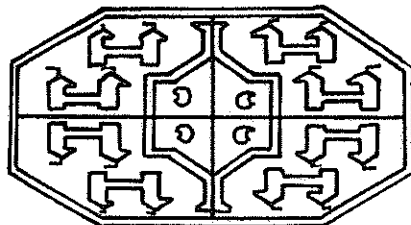
نیازوف شکست طرح ترانس خزر را دخالت امور سیاسی دانست. وی می گوید، ایران خواهان خرید گاز ترکمنستان به قیمت ۲۶ دلار در هر هزار متر مکعب است، که این امر اقتصادی و مقرون به صرفه نیست. نیازوف خاطر نشان کرد که ، ما هم اکنون

گاز را به ایران به قیمت ۴۲ دلار و به روسیه ۲۸ دلار در هر هزار متر مکعب می فروشیم.. وی قیمت سال آتی گاز ترکمنستان را ۴۲ دلار در هر هزار متر مکعب اعلام کرد.

ازبکستان و ترکمنستان مرزهای خود را نشانه گذاری کردند

بدنبال موافقت روسای جمهور ترکمنستان و ازبکستان قرار شد که مسائل و مشکلات مرزی دو کشور به جوامع بین الملل کشانده نشود و با شرکت دو طرف حل و فصل گردد.

کریم اف در دیداری که از عشق آباد کرد می گوید، ۶۰ هزار خانوار مشترک ازبک و ترکمن نمونه خوبی از نزدیکی دو کشور است. قرار است مرزهای ترکمنستان با قزاقستان نیز نشانه گذاری شود. در رابطه با ایران نیز هر دو کشور تصمیم گرفتند عکسبرداری هوایی مرزی انجام گیرد.



نُورخ نوسخه (ترکمن) مُرغی

بزرگترین آهنگساز و هنرمند جمهوری آذربایجان درگذشت

رئیس اتحادیه آهنگسازان و هنرمندان جمهوری آذربایجان در سن ۸۲ سالگی در گذشت. نام توفیق قلی اف در تاریخ موسیقی آذربایجان به عنوان سروده های دلنشین ملی ثبت خواهد شد. رئیس جمهور آذربایجان و هیات دولت این کشور با انتشار بیانیه ای یاد وی را گرامی داشتند.

بنا به گزارش رسانه های گروهی از باکو در مراسم خاکسپاری این شخصیت بزرگ ، مقامات آذربایجان از جمله رئیس مجلس ، نخست وزیر ، وزیر فرهنگ و اعضای کابینه دولت شرکت داشتند.

موضع گیری ازبکستان علیه روسیه

اسلام کریم اف اخیراً در گفتگو با خبرنگاران به شدت علیه روسیه موضع گیری کرده و می گوید: برخی از روزنامه های روسیه از ورود طالبان به خاک ازبکستان و صحنه های درگیری و تلفات در این کشور و یا محاصره تاشکند توسط ۲۲۰ هزار نفر وهابی

آماری از سرمایه گذاری ترکیه در ترکمنستان

همکاری های ترکیه و ترکمنستان از سال ۱۹۹۱ میلادی آغاز شده و تاکنون بیش از ۸۰ قرارداد و توافقنامه بین دو کشور منعقد شده است. ترکیه در چهار سال اخیر حدود ۲ میلیارد دلار در زمینه فعالیت های اقتصادی در ترکمنستان سرمایه گذاری کرده است. هم اکنون بیش از ۴۴۸ شرکت و کارخانه ترکیه در ترکمنستان به ثبت رسیده و فعالیت هایی به ارزش ۸۵۰ میلیون دلار توسط ۲۶ واحد ترکیه ای در ترکمنستان در دست انجام است. قرار است بیش از ۲۰۰ میلیون کیلو وات برق ترکمنستان نیز به ترکیه صادر شود. پروژه اتصال برق ترکمنستان از بالکان آباد در ولایت بالکان به علی آباد در شمال ایران به طول ۲۰۲ کیلومتر اتمام یافت و قرار است از این طریق به ترکیه صادر شود. توافقنامه صدور برق از طریق ایران توسط روسای جمهور سه کشور در سال ۱۹۹۵ به امضا رسیده است. میزان سرمایه گذاری ترکیه در جمهوری ترکمنستان به میزان ۵ میلیارد دلار است و هم اکنون ۵۲۰۰ بازرگان و کارگر ترکیه در ترکمنستان فعالند. روابط فرهنگی دو کشور نیز گسترش یافته و هم اکنون بیش از ۱۸ مدرسه و یک دانشگاه بین المللی ترکمن - ترک در ترکمنستان فعالیت دارند. بیش از ۱۷۰۸ دانشجوی ترکمن هم اکنون در ترکیه مشغول تحصیل هستند.

با شوهرش در ماه مه امسال دستگیر شد. خانواده تقیوا که در این اعتراض شرکت داشتند خواستار آزادی آنها شدند. بنا به گزارشهای غیر رسمی که در مطبوعات آذربایجان درج شده هر دو آنها در زندان اطلاعات تبریز محبوس هستند. روابط آذربایجان و ایران با وجود تلاش های متعدد مقامات دو کشور روی به تیرگی گرانیده و بویژه مطبوعات آذربایجان دخالت ایران در امور داخلی این کشور و کمک ایران به جمهوری ارمنستان در زمان جنگ دو کشور آذربایجان و ارمنستان را دوباره مطرح کرده اند.

آب دریای خزر حدود ۵۰ ساتی
متر کاهش یافته است

بنابه گزارش خبرگزاری غیر رسمی "میدیا پرس" به نقل از کمیته دولتی آب و هوا شناسی جمهوری آذربایجان ، اعلام کرد ، سطح آب دریای خزر ظرف سال های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰ میلادی نزدیک به ۵۰ ساتی متر کاهش یافته است. به گزارش این خبرگزاری بیشترین میزان کاهش سطح آب دریای خزر مربوط به سال ۱۹۹۶ میلادی با ۲۰ ساتی متر و کمترین آن در سال ۱۹۹۹ و به مقدار ۲ ساتی متر بوده است. بنا به گفته مدیر مرکز اقلیم و هواشناسی دریای خزر آقای امیر علی اوف ، علت کاهش آب این دریا بروز خشکسالی و بخار شدن آب بر اثر حرارت زیاد هوا عنوان شده است. وی پیش بینی می کند که ظرف سال های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ میلادی ، سطح آب حدود ۸۰ تا ۹۰ ساتی متر افزایش یابد. بر اساس این گزارش ، در نتیجه افزایش دو و نیم متری سطح آب دریای خزر طی سال های ۱۹۷۸ تا ۱۹۹۵ میلادی، حدود دو میلیارد دلار خسارت مالی به جمهوری آذربایجان وارد شد.

خبر دادند، که تبلیغات منفی روانی علیه آذربایجان است. وی می گوید که حتی وزیر دفاع روسیه به آذربایجان هشدار داده است که طالبان در مرز آن کشور تجمع کرده اند. کریم اف هدف روسیه از این تبلیغات را چنین وانمود کرد که کشورهای آسیای میانه توان دفاعی ندارند و از سوی دیگر به جامعه جهانی می گوید که این کشورها بدون روسیه نمی توانند از خاک خود دفاع کنند. وی همچنین گفت، آذربایجان هیچوقت نیروی نظامی خارجی و از جمله نیروی نظامی روسیه را وارد خاک خود نخواهد کرد.

تیرگی روابط آذربایجان و جمهوری اسلامی ایران

کنسولگری ایران در جمهوری نخجوان آذربایجان بسته شد. بنا به گزارش خبرگزاری آذربایجان "توران" بسته شدن کنسولگری ایران به دنبال اعتراض گروهی از مردم آذربایجان صورت گرفت. بخشی از مردم ضمن اعتراضات ایستاده در مقابل کنسولگری و با در دست داشتن پلاکاردهای متعدد وارد کنسولگری شده و آن را به مدت دو ساعت به اشغال درآورده و خواستار آزادی یکی از هموطنان خود در زندان اطلاعات تبریز شدند. شهروند آذری خانم فاطمه تقیوا همسر یک ایرانی بنام محمد فیض الهی است که اخیراً توسط مامورین اطلاعات به جرم "خیانت به میهن" دستگیر شده است. به دنبال آن همسر این ایرانی زندانی نیز به جرم همدستی

قرقیزستان : طالبان را به رسمیت نمی شناسیم

دبیر شورای امنیت قرقیزستان " بالات جان آزاق اف " اعلام کرد که کشورش قصد به رسمیت شناختن گروه طالبان را ندارد. وی گفت بیشکک همچنان دولت ربانی را دولت قانونی افغانستان می داند و در عین حال اعتقاد دارد که جنگ راه حل اساسی مشکل افغانستان نیست. وی گفت : تشکیل یک دولت فراگیر متشکل از اقوام و گروههای مختلف می تواند به جنگ خانمانسوز افغانستان خاتمه دهد.

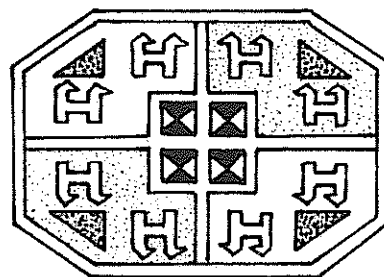
انتقال دوباره گاز ترکمنستان به اوکراین

دولت ترکمنستان که یک سال و نیم پیش از تحویل گاز بیشتر به اوکراین خودداری کرده بود، موافقت کرده است انتقال گاز به آن کشور را از سر بگیرد. بر طبق توافقی که در عشق آباد میان صفرمراد نیازوف و لئونید کوچما روسای جمهوری دو کشور

حاصل شد و برای تامین نیاز امسال و سال آینده خود، اوکراین گاز تحویل خواهد گرفت. ارزش این معامله یک میلیارد و دویست میلیون دلار است و ترکمنستان گفته است، پول گازی که هر هفته به اوکراین تحویل داده می شود، باید از پیش پرداخت شود.

اجرای حکم اعدام به مدت دو سال دیگر در قرقیزستان به تعویق افتاد

عسگر آقاییف، رئیس جمهور قرقیزستان طی فرمانی در سال ۱۹۹۸ اعلامیه حقوق بشر، توقف اجرای حکم اعدام در کشور را به مدت دو سال به تعویق انداخته بود. اکنون که مهلت اعلام شده به پایان رسید، اجرای حکم اعدام دو سال دیگر به تعویق افتاد. بمناسبت پنجاهمین سالگرد انتشار



نُورخ نوسخه (قبزیل آباتی) نمرغی

ادامه از صفحه ۱۶

گزارش يك محقق ...

بر اساس مطالعات انجام شده، دست نخوردگی مکان های زیستی نشان می دهد که کاهش این جمعیت ناشی از قهر طبیعت نبوده و از طرفی در طول ۵۰۰۰ سال گذشته عملاً هیچ تغییری در اوضاع اقلیمی و شرائط طبیعی منطقه بوجود نیامده است.

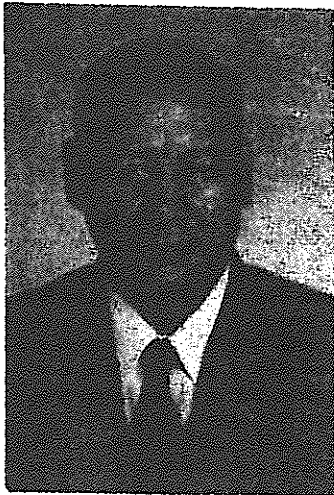
وی گفت، علت کاهش جمعیت را باید در عوامل اجتماعی و بخصوص در تراکم جمعیت و نیاز به واحدهای کوچکتر و ساده تر در نتیجه مهاجرت جستجو کرد. وی در عین حال خاطر نشان کرد، مسیر مهاجرت این جمعیت که بطور مستقیم به شرق رفته اند و یا بسوی مناطق درونی خاورمیانه روان شده اند، به عنوان یک فرضیه همچنان باقی است. کنفرانس بین المللی میراث فرهنگی ترکمنستان که با شرکت محققین و مورخان حدود ۲۰ کشور آسیایی و اروپایی انجام گرفت به مدت سه روز ادامه داشت.

گروهها و انجمن ها

از گروههای سیاسی، انجمن های فرهنگی و ادبی که نشریات و اطلاعیه های خود را به آدرس ایل گون ارسال کردند و همچنین از تمامی دوستداران نشریه که تمبر و کتاب فرستادند متشکریم.

„Türkmen dünýäsi“

gazetinden alyndy



Dr. Muhammet Aýdogdy
DTGB-niň wiseprezidenti

Ýaňy golaýda „Türkmen Dünýäsi“ gazetiniň Oktýabr aýyna degişli 10-njy sanynda, Dünýä Türkmenleriniň Gumanitar Birleşiginiň wiseprezidenti, Türkmenistanyň Ministrler Kabinetiniň ýanyndaky Taryh institutynyň direktory we taryh ylymlarynyň doktory Muhammet Aýdogdyýew bilen, **EZIZ TÜRKMENISTAN ATA**

WATANYM atly geçirilen söhbet çap edildi.

Biz Dr. Aýdogdyýewiň, Europadaky türkmenler barada edilen soraga beren jogabyny gysgaldyp aldyk.

Söhbetdeş bolan Seýitmämmed Hydyrow şeýle sorayar:

„Muhammet aga, Gumanitar birleşigiň Ýewropadaky bölümleri bilen gatnaşyklar nähili?“

Jogap:

„Germaniýadaky, Angliýadaky, şonuň ýaly-da Şwesiýadaky bölümleriň agzalary-da esasan Eýrandan hem-de Owganystandan dürli wagtlarda, dürli sebäplere görä gidenler bolmak bilen aglabasy Garaşsyz hem baky bitarap Türkmenistan bilen gatnaşyk açmaga uly isleg bildirýärler. Şeýle isleg bildirýänler bilen Dünýä türkmenleriniň gumanitar birleşigi mydama bile işleşmäge taýýar. Gatnaşyk açmaga, olaryň Ata Watanyň abraýyny, mertebesini galdyrmak üçin alyp barýan işlerini goldamaga uly mümkinçilikler bar. Gumanitar birleşik hemmesine päk ýürekli, oňat niýetli, Türkmenistana we türkmen halkyna wepaly arka-

daşlarymyz bilen gatnaşmaga taýýardygyny bildirýär. Bu

ugurdan birleşigiň işgärleri ýzygiderli işler geçirýärler. ...

Ýewropada we ABŞ-da döredilen türkmen jemgyýetleriniň agzalary şol ýerdäki türkmenleriň biri-birleri bilen ysnyşdyrmakda, Türkmenistan bilen gatnaşyklary ýola goýmakda olaryň örän peýdalydygyny belleyärler. Şular ýaly jemgyýetleriň ýok wagty özleriniň pytraňny bolandyklaryny, Türkmenistan bilen göwnejaý gatnaşyklaryň bolmandygyny ýatlaýarlar. Şonuň üçin bu jemgyýetleriň işlerini örän netijeli we ähmiýetli hasaplaýarlar. Olara işeňňir gatnaşýarlar. Öz ýaşayan ýurtlarynda Türkmenistanyň abraýyny galdyrmak, Garaşsyzlyk ýyllarynda Saparmyrat Türkmenbaşynyň baştutanlygynda gazanylan uly ýeňişleriň jemgyýetçilige ýetirmek üçin belli bir derejede iş alyp barýarlar. ...“

Garaşsyzlyk we türkmenler

Türkmenistan 27-nji Oktober-da 9-njy garaşsyzlyk ýylyny toý tutdy. Bu gün türkmeniň taryhynda beýik bir gündir.

Türkmen adyna dünýäde bir döwlet bolup, onuň baýdagy Birleşen Milletler Guramasyň önünde parlap durmagy her bir türkmeniň ýüreginde guwanç döredýär.

Türkmenistanyň özbaşdak bolmagy, ýeke şol ýurtda ýaşayan türkmenlere däl-de, bütin dünýä türkmenleri üçin uly ähmiýeti bardyr. Onuň sebäbini aňmak kyn däldir. „Derdi, dert çeken biler!“ diýip könedan aýdypdyrlar ahyryn.

Her bir millet öz dilini we medeniýetini saklap, ony ösdürüp bilmese, zaman bilen özüni ýitirip, aradan çykýar. Millet dilini ýitirse, öldügidir.

Iranda inlisleriň kömegi bilen Ryzaşah hökümete ýetensoň, Iran türkmenleri şu güne çenli agyr günleri başdan geçirdiler we geçirýärler. Pahlawy hökümeti şowinisti syýasaty bilen türkmenleri assimile etmäge talaş etdi. Şol syýasatlar yslamy hökümetde hem yzygi-

derli dowam etdirilýär.

Türkmenleriň öz diline ýazmaga we okamaga haky ýok. Türkmen diline radio, telewision we mekdep ýok. Türkmenleri medeniýetsiz we aňsyz bir millet diýip görkez-mäge talaş edilýär. Pars dilini geplemek, medeniýetli bolmak bilen deň tutulýar.

1979-1980-nji ýyllarda Iran türkmenleri öz haklaryny almaga aýaga galdylar. Iranyň yslamy hökümeti, “Okuw gerek, hat gerek-türkmençe mekdep gerek” diýip, meýdana çykan türkmenleri we olaryň jemgyýetlerini, harby goşunlary bilen topuly aradan aýyrdy. Günbet Kawusda bir ýylyň içinde bolan iki uruşda köp türkmen aktiwistlary şehit boldular.

Pahlawy döwründe türkmen halky milli taýdan ezilen bolsa, yslamy hökümetde olar milli we dini taýdan ezilýärler.

Şowinist parslar we olaryň hökümeti bir gün iranyň prezidenti türkmen prezidentiniň önünden çykyp :”Hoş geldiňiz” diýmäge mejbur boljak-

dygyny çak etmändiler. (Iranda kanun boýunça türkmenler prezident bolup saýlanmaga haklary ýokdur)

Iran türkmenleriniň aýdyslaryna görä, türkmenistan garaşsyz bolup, onuň prezidenti Saparmyrat Niýazowyň, iran türkmenleriniň arasyna gelip, gitmegi olarda arkaly bolduk diýen duýgyny döredip, pars-laryň garaýyşlarynda duýarly degişliklere sebäp bolupdir.

Türkmenistanda türkmen döwletiniň berkarar durmagy, dünýä türkmenleriniň diri galmagynda uly rol oýnaýar.

Eger-de Türkmenistan, häzirki zaman Iranda boluşy ýaly assimilation syýasatynyň astynda ezilip, ruslaşyp giden bolsady näçe on ýyllykda türkmenlerden taryhda ýöne bir at galardy.

Taryh türkmenistan hökümetiniň we onuň adamlarynyň boýnuna uly borç goýandyr.

Garaşsyzlyk baýramçylygy gutly bolsun!

Myrat

sen özüň aýra tutup
 iti berseň erbedi,
 şonda seniň adyňa
 dakyp bolmaz adamy.
 Ahmadyň okan dersi
 heniz soňa ýetmändi,
 mugallym gözlerini
 iki çogdam ýaş tutdy
 hiç ömründe bu dersi
 beýle alyp bermändi
 gözde ýaşyn süpürüp
 Ahmada şeýle bakdy:
 „Bar otur Ahmat oglum
 düşünipdirsiň dersi
 bagyşlarsyň Ahmat jan
 düşünmändim bu dersi“

سن اوز نيك آرا توتوب
 ايتي برسندگ ائرىدى.
 توندا سنىڭ آدمىڭغا
 داقت بولماز. آدمى.
 احمدنىڭ اوقان دىسى.
 مېنىز تونگا - يتماندى.
 موغالتم - كوز لر سنى
 ايكي چوغدام باش توتدى
 مېچ عمر نىده. بو دىسى
 بىلە آيب بىرماندى.
 كوزده باشىن بوپورپ
 احمد، شىد باقتى
 بار اوتير احمد اوغلوم
 دوشونيب دىرىڭ دىسى
 باغىش لازىڭ احمدجان
 دوشونماندىم. بو دىسى.

Eýup Gerkezi

26.05.00

ايوب گركزى .

۲۶،۵۱۰۰

Atam gijara gelyär,
 ýadap ukusy gelyär.
 Ballym enemi gözläp,
 aglap gidesi gelyär.
 Atam ukudan turýar,
 gazaplap meni urýar,
 ýatyryp goýdurmasaň,
 seni öldirin diýär.“
 Ahmadyň garny açdy,
 derdi hem başdan aşdy,
 ýöne Sădiň gyssasy
 şeýdip üstüni aşdy.
 Meger adam- atalar
 bir-birinden dälmidir,
 birisi ynjyp derde
 ol biri rahatmydyr.
 kä biri oda bişer
 kömek isläp ýabyşar
 düşünmeseň, aňmasaň
 ýanar gider tutuşar

آتام گيچ آيا - گئليار
 ياداپ اوقىسى گئليار
 باللىم انىمى گوزلاپ
 اغلاپ گيديسى گئليار
 آتام اوقى تاران - توريار
 غاضابلانمىشنى اوريار
 ياتيرىپ قويدورماسانگ
 سنى اولدورين ديار
 احمدنگ قارتنى اچدي
 دردى هم باشدان اشدي
 بونه سادىنگ قصه سى
 شيدىپ اوستىنى اشدي
 مگر آدم - اتالار
 بير - بيرىندن دال ميدير
 بيريسى اينجيب - درده
 اول بيرى راحت ميدير
 كابيرى اودا بيشتر
 حكمت ايلاب يابشار
 دوشونمىشنگ اناكسانگ
 يانار گيدير - توتاشار

Ahmadyň reňki öçdi,
 utanyp, gorka düşdi,
 dert üstüne ulaşyp,
 ýüregi ynja düşdi.
 Oglanjyklar bilmedi,
 bilse-de düşünmedi,
 olardan ýeten gaýta
 deger-degmez sözmidi.
 Derdi aýdyp bilmedi,
 aýtmasa-da bolmady,
 kemeler ahy-zarym
 diýip şeýle sözledi:
 „Seň hem eneň ölsedi,
 ataň seni ursady,
 sen Ahmatjyk diýmezdiň,
 ýa-da maňa gülmezdiň.
 Enem pahyr ölüpdür,
 meni ýeke goýupdyr,
 kiçijek ballymy hem
 ol enesiz goýupdyr.

احمد ننگ رنگلی اوچدی
 اوتانیپ، قورکا دوشدی
 درد او رستینه اولاشیب
 یورگی اینجی تا دوشدی
 اوغلانجیقلار، بیلمدی
 بیلسه ده، دوشنمدی
 اولاردان یتن قایتا
 دگر، دگمز، سوز میدی
 دردی آید بیلمدی
 آیتماسا دا، بولمادی
 کمهلر، اهی زاریم
 دییپ شیلد سوزلدی
 سینگ هم انینگ اولسادن
 اتانگ سنن، اورسادی
 سن احمد جیوق دیمزدینگ
 یا دا مانگا، گولمزدینگ
 انتم باخیر، اولیدیر
 منی یکه - قویویدیر
 کیچیک بالیمی، هم
 اول انه سیز قویویدیر

Ahmat bilen mugallym

„Ýatyrmyň sen Ahmatjyk,
näme näşäň kemmidi?
Harman döwek döwüp sen
ýa-da ukyň kemmidi?
Jaý ýeriňden turjak bol,
derse jogap berjek bol,
şyh Sädiniň gyssasyn
ýatdan okap biljek bol!“
Ahmat jaýdan yrandy,
baryp tagta söýendi,
iki elin gowşuryp,
başyn aşak egindi.
„Eger bolsa diliň lal,
gulaklaryň ker-ki däl,
seň bilen gepleşýärim,
tarapym diwar-ki däl!
Ahmat adam boljak bol,
derse jogap berjek bol,
hem netije alyp sen
bir maksada barjak bol!“

أحمد بیلن موغلیم
باتر منک سن احمد حبیب
ناتر نأشأنگ کتم میدی
خارمان دؤوئک، دؤووب تن
یادا، او قنگ کتم میدی
جای بر تنگدن تور جاق بول
دئر جو غاب بر جک بول
شیخ سعدی ننگ قصه سین
یاددان اوقاپ بیجک بول
أحمد جای دان، ایراندی
باریپ تختا سوئندی
ایکی الین قتاوشیرپ
باشین آتاق اگیندی
اگر بولسا دینک لال
قولاق لارنگ کترکی دال
سنگ بیلن کت لشیارین
طراپیم، دیوار کی - دال
أحمد آدم بولجاق بول
دئر جو غاب بر جک بول
هم نتیجه آلیسین
بیر سا قصادا بار جاق بول

özümiziň iňňän irki çaglardan saklanyp gelen Oguznama, Korkut-Ata, Asly-kerem, Zöhre-Tahyr, Akpamyk yaly milli dessanlarymyzdyr ertekilerimiz-de-de örän aýdyň suratda görüp bilýäris.

B. Gereý

Hormatly okyjylar,

Ýokardaky makala Beýik Parfiýa taryhyna giriş - “Parfiýa döwletini guran atababalarymyz” diýen kitabyň bir bölümidir

Kitaby ýazan: B. Gereý

Neşir: M-g G G- Europa-nyň kömegi bilen

Adresi: Torgatan 3 B, 44232 Kungälv/ SWEDEN

E-mail: mggg @ spray. Se

Berlin- 2000

Tapmaçalar:

	1.	2.	3.	4.	5.	6.
1.					@	
2.		@	@			
3.	@		@			
4.						
5.				@	@	
6.						

Kese:

1- Haýatyň, diwaryň aşagyn-da goýulýan geçelge, sümelge, suw akar ýaly deşik.

2- Türklerde bir topara, topluma bagly bolan, agzalyga giren many-da ulanylýar.

3- Yglan, habar, hem-de suwuň akýan ugry.

4- Ýaramaz iş üçin berilýän jeza, ýazgarma, zeyrenç.

5- Hüşgär, ätiýaçly, sak, eserdeň, berk.

6- Hamyň iç ýüzünden döreyän agyryсыз düwün, máz.

Dik:

1- Ar, birine bolan gahar-gazap duýgusy.

- Gymmatly daşlar we matallaryň köp bolan ýeri.

2- Daşyň ownuk hili.

3- Birlik sanynyň üçünjisi bolup, häzirki zamany görkezýän inçe çekimli işliklere goşulýar.

4- Dokmada, erişleri ýokary dartyp saklaýan gural.

5- Böwür, gapdal, tarap.

6- Goçak, edermen.

Tapmaçalar: IL-GÜN 15

	1.	2.	3.	4.	5.	6.
1.	P	Ö	K	G	I	Ψ
2.	Y	Z	Ψ	E	Ψ	A
3.	R	Ψ	O	Ψ	Ö	L
4.	A	K	G	A	L	A
5.	G	Ö	R	N	Ü	K
6.	Y	S	Y	T	M	A

Ural-Altay kowmlaryna degişli bolýar diýen soragyň jogaby bolsa gaty aňsatdyr. Bu kowmlaryň yokarda agzalan iki sany üstünliginiň arasynda bir baglanşyk bolmagy zerurdyr. Uly sürüleri bakmak we oňa degişli işleri özegçilik edip durmak, gaty giň öri meýdanlarda yzgiderli agyp-dönmek, öri meýdanlary we beýleki mülkleriň hak-hukuklarynyň üstünde öňüni alyp bolmaýan çaknyşyklar, tire-taýpa guramaçylyk işleri we şulara meňzeş, çarwaçylyk bilen baglanşykly bütin meseleler, biri-biri bilen ýakyn baglanşyklydyr. Bu ýagdaýyň tebigy netijesi: Adamlaryň gözýetimi giňelýär, edermenlikdir taýpa bagly bolmaklyk duýgy hem düşüňjesi, buýruk berme buýsanjy, guramaçylyk ukyby we gepiň keltesi, döwlet gurmak üçin gerek bolan ähli gylyk-häsiýetler ösýär. Şeýle ruhybelentlikler, ukyplar hem düşüňjeler bilen ýetişen ynsanlar, daýhan kowmlary yeňip sürülerini saklar ýaly öri meýdanlary üpjün edenden soň, häkim we döwleti esaslandyryjy gatlagä öwrüliberýärler. Elbetde uly toparlar ýagdaýynda çozan pursatlarynda wagtlaýynça medeniyet bozuýy-da bolýarlar. (mogullarda bolşy ýaly). Ural-Altayly kowmlar bu iki gapmargarşy häsiýeti (bozuýlyk hem gurujlyk häsiýetini) özlerinden

görkezipdirler (Archeologiai Ertesitö, 1929-s.35-38)...

Ýaýrama taýdan, Turanid jynslar bütin beýleki jynslar bilen ýaryşyp biler. Sibriýadan başlap Orsýediň üsti bilen Orta-Ýewropa, hatda Fransa çenli baryp ýetýär. Demigazykdan başlap Hindistana, Eýrana, Balkanlara çenli, azda-köpde her ýerde bu jynsy görüp bileris...>>⁴

Ýene bir günbataryň taryhçy alymy Jean-Paul Roux, hem türki halklaryň döwlet gurma ukybyny yokarda ady geçen alymlaryň görüşlerini makullamak bilen olaryň guran döwletleriniň çäginde ähli halklaryň hem dilleriň azatlygyny üpjün edilen demokratik şertlerde ýaşandyklaryny-da nygtap, şeýle ýazýar: << Türklerde emperiýa gurma ukyby bardyr. Türkler sözüň doly manasynda ýer yüzüniň hökümdarlarydy. Guran emperiýalary bir-birine meňzeş bolmadyk bir wagtyň özünde, iki mün ýylyň dowamynda käbir ortak häsiýeti-de ýüze çykardy. Olaryň guran emperiýalary, halklaryň muzaigidi. Türkler bu emperiýalarda dürli halklary oňuşykly ýaşatmaga çalyşdylar, olara güýçli ýagdaýda merkezleşdirilen we hökmürowanlyk bir döwletiň çygrynda milli kimliklerini, dillerini, kulturalaryny, dinlerini, hatda köp ýagdaýda öz baş-tutanlaryny saklamak hem goramak hukugyny-da resmiýete tanaýardylar...>>⁵

Döwletleriniň çäginde yzgi derli öz taňrylaryna çokunma (ybadat) azatlygyny, dini ýol-

başçylaryna özlerine doga etmek şerti bilen her hili salgytlardan azat edilmek ýaly hormatlan-dyryjy permanlar çykarypdyrlar. Türkler dine degişli her zady elmydama sylap gelipdirler. Ýslam dinine girýänçäler yzgiderli, dünýäniň ähli dinlerini bir-biriniň yzyndan kabul edipdirler. Musulmsn bolanlaryndan soňrada beýleki dinleri hormatlamak däbini dowam etdiripdirler...

Ýewropalylaryň, öz çygyrlarynda ýaşayan ilatyň ählisine hökümdarlaryň dinini kabul etmäge zorlamaklarynyň tersine türkler, dünýewiligi goramaga çalyşypdyrlar. Bir-birleri bilen bir toprakda parahatçylykly ýagdaýda ýaşamagyň mümkinligini ündäp gelipdirler. Bu bolsa olaryň adamzat medeniyetine goşan iň uly goşantlarynyň biridir...>>⁶

Ýañyrak ýüze çykan Osmanly imperiýanyň tersine, türk jemgiýetlerinde hanymlaryň uly orny hem-de çaksiz meýdanlarda ýaşayan ynsanlaryň tebigy duýgularyna uýgunlykda ýörite bir azatlygy hem öz-ygtyýarlylygy bardyr. Erkekleriň jynsy güýjüniň yokary bolany sebäpli, hanymlara hemişe bir aw gözi bilen seredilmesine garamazdan bu aw aslynda, hem kadakanunlar esasynda hem-de sözleşmelerde özüni gorayar. Gyz bilen durmuş gurmak türklerde, söweşde hem aw awlamakda gazanylan bir uly yeňiş derejesinde baha berilip gelipdir...>>⁷

Elbetde günbatar alymlaryň bu aýdanlarynyň dogry hem-de biziň ata-babalarymyza berilen adalatly bahadygyny biz,

⁴ - prof. Lasazlo RASONYI, "Taryhda türkler" Ankara-1988, s. 1-8
⁵ - Jean-Paul ROUX "Türklerin Taryhy" Milliýet ýaýynevi-1989 s.32

⁶ - ýene şol. S.42

⁷ -ýene şol. S. 43

bilen birlikde kä regýonlarynyň önümlü mes topraklary bolup, suvarma ýoly bilen örän berimli hem bol hasylly ýagdaýa getirilmegi mümkindir. Derýalaryň boýunda otluk öri meýdanlary-da bardyr. Bu ýurtlaryň tipik haýwany düýedir.

Passageriň „Stepler“ we Hettneriň „Gyşy gazaply otluk çöller“ diýip atlandyran goýy-goňur reňk toprakly esasy boz-gyr, örän açyk hem ýagyşly bolmagyna garamazdan, bu gazaply Kontinentalyň, gýşyna gaty sowyk we gar-buraganly, tomsuna bolsa, umuman, gurak bir howa şertleri bardyr. Tomus aýlary käte ýagýan dolylar-da guraklygy köşedip bilmeýär. Bu ýurtlaryň tiptik we esasy haýwany atdyr.

Has demirgazykdaky derýaly regýonlarda hem beýikliklerde tokaýlar bardyr. Türk dillerinde bar görülyän hem-de belli derejede türkligiň gadym taryhy bilen bagly bolany üçin ähmiýeti bolan, “beýikligi” aňladýan sözler-de tanyş etmäge çalyşýan şu regýonlarymyza degişli bolup biler. Mysal üçin, OR: beýiklik, ORMAN: agaçlykdyr, orta-türkçedäki TAG-TAW-DAG sözüniň Ýatu dilinde garşylygy ORMANDyr...

Bu otluk zolagyň Ural we Altay aralygynda takmynan 7-8 müň km. Giňligi bardyr... G. van Bulckýň “Diňe tebigy şertler ösüşi mümkin eder” diýen pikrine goşulmanymyza-da bozgyr sähralarynyň ýokarda wasp edilen şertleriniň, göçme maldarçylyk kulturyňyň in ýokary derejesi bolan “atly çopançylyk” kulturyňyň ýüze çykmagyna uly täsir edendigini makullayars. Gürrüni edilen regýon, şeýlelik bilen dünýä taryhynyň in uly

“dünýä eýeleýjileriniň” mesgeni bolupdyr. Ençeme uly döwletleriň gurujysy bolan aýry-aýry türki taýpalary bu ýurtlarda ýetişip gündogara, günbatara hem-de günorta sary akyn edipdirler. Türklügiň Ata watany-da şol ýurtlar bolupdyr... Etnologlaryň VIANA mektebiniň agzasy, taryhçy Meňhin, adamzadyň döreden üç medeni ulgamynyň biri bolan göçme(nomad) kulturyňyň ösüşi we onuň ähmiýeti barada şu aşakdaky ýaly açyklamalar öňe sürýär:

Buz çagynyň soňlamasy bilen Baýkal gölünden Baltik deňzine çenli uzaýan ägirt uly giňlikde bimeňzeş kultur ýüze çykdy. Bu kulturyň esasy aýratynlygy, süňkden ýasalan gurallar hem-de biri-biriniň ýerini alan “balykçy-awçy” yaşaýyş terzi bolupdyr. Oňa miliotische Konochenkultur diýilýär. Ural-Altay dil maşgalasyna degişli kowmlaryň esasy kultury şu kultur bolupdyr. Emma Amerikada hem-de Günorta-Aziýada-da şeýle kultura gabat gelinýär... Atly göçmenleriň we olaryň medeniýetleriniň ähmiýetini görkezmek üçin, olaryň beýleki kowmlar-maşgalasy bilen bolan gatnaşyklaryny göz önünde tutmak peýdaly bolar. Koppers bu barada şeýle ýazýar:

Birinjiden, haýwan ýetişdirmе medeniýetiniň Iç-Aziýada doganlygy bir hakykatdyr. Ýene bir tarapdan bolsa Indogerманlar (Hündi-Ýewropalylar) bu medeniýetiň döredijisi bolman eýsem onuň alyjylary bolupdyrlar. Emma ilkinji alyjylary bolandyklary-da subut edilipdir. Soňky barlaglaryň netijesine görä bu medeniýeti Iç-Aziýada türkler däl-de proto-türkler (türkleriň aňyrsy, has irki ata-

babalary. m.) döredip ösdüripdirler. Kppers özüniň „Urtürkentum und Urindogermanentum“ atly eserinde, barlaglaryň netijesini şeýle açyklaýar:

Atyň ilkinji gezek eldekileşdirilmesini we şonuň bilen baglylykda atly-çopan kulturyňyň dowam etmegini, hökmany suratda Iç-Aziýada ýaşan türklere baglamalydyr. Munuň özi, özboşlygy bir taryhy üstünlik bolup, aýry-aýry kowmlardyr medeniýetleriň gülläp ösmeginde amatly şertler hem-de örän ähmiýetli netijeler döredipdir. Bu medeniýeti Indogerманlaryň ilkinji ata-babalary gadymy türklerden alypdyrlar...

Menghin bolsa, ýokarda aýdan sözleriniň üstüni şeýle ýetirýär: sözüimizi gysgaldyp aýtmak islesek, Ural-Altay kowmlarynyň iki ugurda dünýä taryhynda örän ähmiýetli roly bolupdyr: 1- Yktysatda haýwanlary ekdi edip ýetişdirmek hünärini ösdüripdirler. 2- Jemgiýetçilik gatnaşyklarynda, adatdan daşary döwlet gurma ukybyny görkezipdirler. Schmidtň-de goşulýan we etnografiýa ylmyna daýanýan bu pikri, arheologiýa ylmy hem goldaýar. Gadymdan işeňsir emma döwlet gurmaga ukypsyz çomur (çomra, daýhan) kowmlar tarapyndan derýa ýakalarynda döredilen beýik medeniýetler, diňe söweşeň çarwa kowmlaryň şol ýerlerik akym etmeginiň netijesinde ýüze çykyp bilipdir. Dünýäniň başga ýerlerinde-de her wagt güýçli hem dowamly döwlet gurulan bolsa, ol ýerde-de hökmany suratda çarwalaryň roly bardyr. Onuň ýüze çykyşy öwrenilende bolsa, Ural-Altayly kowmlaryň täsiri bilen baglanşyklydygy görüler. Döwlet gurma ukybynyň näme üçin diňe

Türki halklaryň ýurtlary we olaryň Döwlet gurma ukýby

Bu ýerde biz türki halklar diýmekden, miladdan öňki ikinji müň ýyllykdan başlap Günorta Sibir we Altaý daglaryndan demirgazyk-günbatara hem günorta-günbatara tarap biri-biriniň ardyndan sil kimin hereket eden göçler bilen bütin Orta-Aziýany, Kawkazy we Gündogar-Ýewrupany eýelän, dilleri bolsa Turan, Üral-Altay we Fin-Ugor ýa-da Türk-Tatar diýip atlandyrylýan ähli halklary göz önünde tutýarys.

Takmynan şol göçler bilen döwürdeş, emma heniz anyklymadyk bir ýurtlardan, Indo-German (Hindi-Ýewropa) halklarynyň-da Eýrana we Hindistana tarap göçleri bolup ol ýurtlaryň belli böleklerini eýeläpdirler. Bu Indogerman dilli maldar taýpalar, baran ýurtlarynda özlerinden öň oturmly hem medeniýet döreden ýerli halklardan olaryň kulturyny kabul edip oturmlylyga geçýärler. Şol oturmly halklar, Eýranda Ilam, Manna we başgalar¹, Hindistanda bolsa irki çaglarda Orta-Asiadan göçüp baran **Drawidiler** bolupdyrlar. Şol ýerli halklaryň dilleri-de türki diller bilen bir dil toparyna degişli Agglutinatív (iltisaky) dil eken.²

Bu göçleriň ikisinden hem has ozal, gürrüňimiziň girişinde-de agzap geçişimiz ýaly, Orta-Asiada ylaýta-da Türkmenistanda baryp miladdan öňki altynjy müň ýyllykdan başlap örän ösen

medeniýete eýe bolan halklar ýaşapdyrlar. Biz bu gün ol halklaryň dili, döp-dessurlary hem ýaşayş terzleri barada anyk maglumatymyz ýok, ýöne soňky on ýyllyklarda Türkmenistanda geçirilen arheologik barlaglaryň hem-de Antropologik derňemeleriň netijesinde olaryň şu günki ýaşap ýören türkmenleriň ilkinji ata-babalarynyň bir goly bolandygyny subut edýän hakykatlar ýüze çykdy we çykýar. Ýene bir tarapdan bolsa, miladdan öňki 4-nji müň ýyllygyň ikinji ýarymynda Orta-Aziýadan, has anykragy Türkmenistandan Mezopotmiýa göçüp baran Sumerlileriň (Şumerleriň) ýazuwa geçmek arkaly biziň günlerimize çenli saklanyp galan we alymlaryň tarapyndan tabellelerinde ulanylan diliniň, hem sözleriniň hem-de onuň grammatikasynyň biziň şu günki türkmen dilimize gabat gelyändigini göz önünde tutanymyzda, şol irki çaglarda ýaşan ýerli halklaryň dili-de biziň şu günki türkmen dilimiziň we umumy türki dilleriň gönezlige bolupdyr diýmäge hak gazanýarys. Hut şonuň üçin hem Sumer diline, sumerolog alymlardan Francois Lenormant, Fritz Hommel, N. Poppe, A. Zakars we başgalar Prototürk (Türk diliniň gönezlige, aňrsy) ýa-da Ural-Altay dil maşgalasyna degişlidir diýip kesgitleýärler.³

Biziň bu işimiziň temasy ýagny Parfiýa döwletini guranlar dogrusyndaky gürrüňimiz, ýokarda agzalan soňky göçlere ýagny türki halklaryň miladdan öňki ikinji müň ýyldan başlap eden göçlerine we olaryň esaslandyran ilkinji döwletleriniň biri

bolan Parfiýa döwletini guranlaryň gelip çykyşyna degişlidir. Bu barada „Taryhda Türkler“ diýen at bilen ýörite iş ýazan günbatar taryhçysy prof. Dr. **Laszlo Rasonyiniň** umumy görüşleri bilen gysgaça tanyş bolalyň. Alym bu kitabyň „Türkleriň Ata ýurdy“ diýen sözbaşy bölümünde şeýle ýazýar: << Günbatar milletleriniň ýüze çykmaýyndan has öň, türkler dünýämiziň iň uly giňişligini öz içine alýan Oýr-Aziýanyň (Ýewrasiýanyň) taryhynyň her döwründe her künjeginde uly rol oýnapdyrlar.

Biziň döwrümiziň ors alymlary Oýr-Aziýa sözünden diňe demirgazyk Oýr-Aziýany göz önünde tutýarlar. Emma hakykatda bolsa Oýr-Aziýa, Oýropanyň (Ýewropanyň) gündogaryny we Aziýanyň bolsa orta hem demirgazygyny öz içine alyp çägi belli bir jografiýa hem taryhy birleşigi ýüze çykarýan we özüne mahsus bolan karakteri bilen ähmiýet gazanan hem-de iki Kontinent aralygynda üçünji bir kontinenti emele getiren örän uly giňişligi öz içine alan ülkedir. Bu ülkäniň günortasy Kvenlün, Pamir, Hindukuş we Kawkaz daglary bilen çäklenýär. Demirgazykdaky tokaýlyklardan günorta we günbatar tarap, Mançuriýanyň Hingan daglaryndan Karpat daglaryna çenli boz-gyr sähralyklary uzalyp gidýär. Bu boz-gyrlaryň demirgazyk hem günortasy has goýyrak goňur reňkli sähralar bilen çäklenýär... Passager tarapyndan Salzsteppe (şor step, şor boz-gyr) diýip atlandyrylan gönorta regýonlary, demirgazyk regýonlara görä has kiçidir. Ýagşy az we töweregi tutuk regýon bolany üçin topragy-da şordyr. Şeýle bolmagy

¹ - Bu barada maglumat almak üçin ser. „prof. Muhammedtagy Zehtaby, "Iran türkleriniň eski taryhy" Tärän-1998 s.

² - ser. "Türkmenler-sumerler..." s.

³ - ýene şol. S. 17-18

Bu sanda:

*Türki halklaryň ýurtlary we olaryň döwlet gurma ukyby

*Ahmat bilen mugallym

*Garassyzlyk we türkmenler

*“Türkmen dünýäsi“ gazetinden alnan söhbet

*Tapmaçalar

طرح چهره مسکین قلیچ از یعقوب دینی نی



باشیل بؤرؤگ گئیلج بئر دفاوتر
اونینگ قابدالینده بئر اوم بائر
شینگ بالیم داقب اوزینه بهار
شول آدمی بنیز تانی مان اوتیر
کابیری دیریدی ، اوللی دیدیلر
کابیری اولسند دیری دیدیلر
دفانینگ یانینده یاتان آداما
دینگ شول الم سدام دیری دیدیلر

ایوب گزینی
هنر ۲۰۱۸۱۰۰

برای دریافت ایل گون با ما تماس بگیرید

آدرس ایل گون:

IL GÜN

Postfach 30 12 03

50782 Köln

Germany

ایل گون در اینترنت:

<http://www.geocities.com/SoHo/Gallery/3677>

پست الکترونیکی:

E-Mail: ilguen@geocities.com

شماره حساب بانکی:

Stadtsparkasse Köln

Konto No. 2083236

Bankleitzahl 37050198

- برای آبونه شدن ایل گون به آدرس ما نامه بنویسید .
- بهای اشتراک سالیانه ۲۰ مارک آلمان فدرال و یا معادل آن است .
- مبلغ اشتراک سالانه را به حساب بانکی واریز نمائید .